



امیر سرتیپ علیرضا الهامی، فرمانده قرارگاه مشترک پدافند هوایی خاتم‌الانبیا (ص) و نیروی پدافند هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در تشریح تفاوت سامانه‌های قدرتمند پدافندی بومی با نمونه‌های خارجی، اظهار کرد: تفاوت عمده و اصلی تجهیزات و سامانه‌هایی که ۱۰۰ درصد ایرانی هستند و با تکیه بر دانش بومی تهیه شده‌اند، در دو سه موضوع اثرگذار خلاصه می‌شود.

وی نخستین مزیت سامانه‌های قدرتمند پدافندی بومی را بی‌نیازی از دیگر کشورها در ارتقا و به‌روزرسانی آن‌ها دانست و تاکید کرد: از آنجا که تهدیدات لحظه‌به‌لحظه در حال تغییر شکل، ماهیت و تاکتیک هستند، ما ناگزیریم تجهیزات و سامانه‌های خود را متناسب با تهدیدات جدید به‌روز کنیم و این فرآیند برای سامانه‌هایی که نرم‌افزار و سخت‌افزارشان به‌طور کامل در اختیار خودمان است، بسیار سریع‌تر و راحت‌تر از تجهیزات خارجی انجام می‌شود.

فرمانده نیروی پدافند هوایی ارتش، دومین وجه تمایز تجهیزات کاملاً ایرانی را تناسب آن‌ها با جغرافیا و نیازهای تخصصی و کارشناسی شده کشور عنوان و بیان کرد: یا باید سامانه‌ای بخریم که برای اهداف کلی در کشوری دیگر تولید شده است و یا سامانه‌ای تولید کنیم که متناسب با جغرافیا، شرایط اقلیمی و نیاز واقعی صحنه نبرد خودمان طراحی شده است؛ در حقیقت این ویژگی‌ها، برتری تجهیزات ایرانی را نسبت به نمونه‌های خارجی در میدان رزم به‌طور عملی اثبات کرده است.

فرمانده قرارگاه مشترک پدافند هوایی خاتم‌الانبیا (ص)، همچنین درباره توانمندی نیروی پدافند هوایی ارتش و بازآمد سامانه‌های پدافندی، تصریح کرد: امروز با تکیه کامل بر توان داخلی، آماده‌ایم و لحظه‌به‌لحظه هم تعداد تجهیزات تولیدی و هم نوع، کاربرد و تاکتیک آن‌ها را افزایش می‌دهیم.

امیر الهامی با اشاره به عملکرد سامانه‌های بومی در جنگ تحمیلی ۴۰ روزه، گفت: تجهیزات تولیدشده در جریان این نبرد، آزمون موافقی را پشت سر گذاشتند و اکنون به‌شدت در حال تکثیر هستند تا در تمام گستره جمهوری اسلامی ایران مستقر شوند.

دیپلماسی آزانسی

مدیرکل آزانس اتمی: بازگشت به دیپلماسی درباره وضعیت برنامه هسته‌ای ایران ضروری است

گواهینامه موثورسیکلت بانوان در پیچ اما و اگرهای قانونی

سرلشکر محسن رضایی:

اعلام منطقه ممنوعه در تنگه هرمز

هرمز

صورتحساب خطای راهبردی آمریکا

منابع ارزی بانک‌ها از کجایم

ظرفیت تازه یا ناترازی پنهان؟

انتقادهای فزاینده از هگست

در پی بحران در پنتاگون



بازگشت به دیپلماسی و مذاکرات

■ رافائل گروسی روز دوشنبه در نشست فصلی شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در وین گفت: بنا به درخواست شورای حکام در قطعنامه GOV/۲۰۲۵/۷۱ که در نوامبر سال گذشته تصویب شد، گزارشی درباره «اجرای موافقت‌نامه پادمان‌ان‌پی‌تی و مفاد مرتبط قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد در جمهوری اسلامی ایران» به شورا ارائه کرده‌ام. او که تاکنون حملات به تأسیسات هسته‌ای ایران از سوی ایالات متحده و رژیم صهیونیستی را محکوم نکرده است افزود: «همان‌طور که در این گزارش آمده است، در دوره مورد بررسی، آژانس نه اطلاعاتی از ایران درباره وضعیت مواد یا تأسیسات هسته‌ای اعلام‌شده این کشور دریافت کرده و نه برای انجام فعالیت‌های راستی‌آزمایی میدانی به هیچ‌یک از این تأسیسات دسترسی داشته است. بنابراین، آژانس نتوانسته مسئولیت‌های پادمانی خود را طبق موافقت‌نامه پادمان‌ان‌پی‌تی در تأسیسات هسته‌ای اعلام‌شده ایران انجام دهد.» مدیرکل آژانس در اظهاراتی جهت‌دار اضافه کرد: «در نتیجه، نتوانسته‌ایم وضعیت این تأسیسات و مواد هسته‌ای مرتبط با آنها را برای مقاصد پادمانی راستی‌آزمایی کنیم و به همین دلیل، من همچنین قادر نیستم درباره اجرای مفاد مرتبط قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد یا قطعنامه‌های شورای حکام در نوامبر سال گذشته و ژوئن امسال از سوی ایران گزارش دهم.» وی در ادامه قضا سازی‌های سیاسی علیه برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای کشورمان افزود: «بیش از یک سال از زمانی می‌گذرد که آژانس تداوم آگاهی خود را درباره موجودی‌های پیش‌تر اعلام‌شده اورانیوم با غنای پایین و اورانیوم با غنای بالا تا سطح ۶۰ درصد اورانیوم۲۳۵، در تأسیسات هسته‌ای اعلام‌شده‌ای که از حملات نظامی ژوئن ۲۰۲۵ تأثیر پذیرفتند، از دست داده است. فقدان اطلاعات آژانس درباره این تأسیسات و مواد هسته‌ای مرتبط با آنها و ناتوانی ما در انجام فعالیت‌های راستی‌آزمایی در این مراکز، موجب نگرانی جدی از منظر اشاعه هسته‌ای است. این وضعیت باید با نهایت فوریت اصلاح شود.» گروسی به نادیده گرفتن همکاری‌های همیشگی ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی افزود: «از ایران می‌خواهم به‌طور سازنده با آژانس تعامل کند تا اجرای کامل و مؤثر پادمان‌های آژانس در ایران امکان‌پذیر شود و این کشور مسئولیت‌های خود را طبق موافقت‌نامه پادمان‌ان‌پی‌تی انجام دهد.» وی ادامه داد: «بازگشت به دیپلماسی و مذاکرات با هدف یافتن راه‌حلی برای مسائل مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران ضروری است و آژانس آمادگی دارد از چنین تلاش‌هایی حمایت کند. وضعیت برنامه هسته‌ای ایران برای نظام جهانی عدم اشاعه پیامدهایی دارد.» جمهوری اسلامی ایران بارها تأکید کرده است که برنامه هسته‌ای کشور کاملاً صلح‌آمیز و در چارچوب حقوق و تعهدات پادمانی دنبال می‌شود و هرگونه همکاری با آژانس باید با در نظر گرفتن واقعیت‌های امنیتی پس از حملات غیرقانونی آمریکا و رژیم صهیونیستی به تأسیسات هسته‌ای ایران ارزیابی شود. تهران همچنین تأکید دارد که حمله به تأسیسات هسته‌ای تحت پادمان، نقض آشکار حقوق بین‌الملل و تهدیدی جدی علیه نظام عدم اشاعه است و آژانس، به‌جای تکرار ادعاهای سیاسی، باید نسبت به محکومیت این اقدامات و جلوگیری از عادی‌سازی حمله به مراکز هسته‌ای موضعی روشن و بی‌طرفانه اتخاذ کند.

اعلام منطقه ممنوعه در تنگه هرمز؛ کشتی‌های متخلف تحریم می‌شوند



■ محسن رضایی دبیر شورای عالی امنیت ملی در گفتگویی ویژه درباره آخرین تحولات منطقه و وضعیت تنگه هرمز، از اتخاذ راهبردهای جدید برای مقابله با تحرکات احتمالی خبر داد. محسن رضایی با اشاره به اقدامات طرف مقابل برای عبور شبانه تعدادی از کشتی‌ها، گفت: آنها با به‌کارگیری نیروهای ماهر و پرداخت هزینه‌های سنگین، سعی در خاموش کردن تجهیزات دارند و معمولاً چند فروند کشتی را عبور می‌دهند که هدف قرار میگیرند. وی درباره تصمیم برای غرق کردن شناورهای متخاصم توضیح داد: ما هنوز تصمیم قطعی برای غرق کردن آنها اتخاذ نکرده‌ایم؛ چراکه نشت مواد نفتی و آلودگی گسترده در تنگه هرمز و خلیج فارس، برای خود ما نیز مشکل آفرین خواهد شد. با این حال، تأکید میکنم که هیچ یک از این کشتی‌ها سالم از منطقه خارج نخواهند شد و حتماً آسیب ببینند. دبیر شورای عالی امنیت ملی با بیان اینکه عبور چند کشتی به معنای بازشدن تنگه هرمز نیست، تصریح کرد: ما خودمان نیز چندین فروند کشتی حامل کالاهای اساسی و مواد غذایی داریم و روند واردات ادامه دارد. رضایی در تشریح برنامه‌های آتی ایران، اعلام کرد: در روزها و هفته‌های آینده، یک منطقه ممنوعه در خارج از تنگه هرمز تعیین خواهیم کرد که از خط محاصره نیروی دریایی آمریکا شروع شده و تا خلیج فارس ادامه دارد. وی افزود: هر کشتی که قصد عبور از تنگه هرمز را داشته باشد و وارد این محدوده شناسایی شود، در لیست تحریمی (فهرست ممنوع العبور) ما قرار خواهد گرفت. همچنین به شناورهایی که در سمت شرقی یا غربی تنگه برای عبور توقف میکنند، اطلاع داده می‌شود و در صورت تخلف، مشخصات کشتی و صاحب آن ثبت خواهد شد. دبیر شورای عالی امنیت ملی در ادامه این گفتگو با تشریح جزئیات لیست تحریمی مورد اشاره، تصریح کرد که مشخصات کشتی، صاحب کشتی و اجاره‌کننده آن ثبت می‌شود و به طرف مقابل اعلام خواهد شد که با قرار گرفتن در این لیست، مشکلات جدی در زمینه بیمه و افزایش سرسام‌آور هزینه‌های حمل‌ونقل مواجه خواهند شد و همچنین آگاه خواهند بود که در صورت تکرار تخلف و عبور مجدد، در محدوده تحت کنترل ایران قرار می‌گیرند. وی با اشاره به جایگاه راهبردی تنگه هرمز در تجارت جهانی نفت و گاز، تأکید کرد که این منطقه به یک نقطه کنترلی برای کشتی‌های تحریمی تبدیل خواهد شد و تردد در آن منوط به هماهنگی با ایران است و ممکن است تنها تعداد محدودی از کشتی‌های با ارائه توضیحات، مجوز عبور پیدا کنند. رضایی از ایجاد یک منطقه ممنوعه جدید به عنوان مکمل تنگه هرمز خبر داد که از خط محاصره نیروی دریایی آمریکا آغاز شده و تا بنادر مقصد برای بارگیری کالا ادامه دارد. وی خاطرنشان کرد که این منطقه جدید، حوزه میدان عمل ایران را گسترش داده و بدون نیاز به حمله نظامی، یک اهرم تحریمی واقعی و مؤثر علیه کشورهای متخلف ایجاد میکند. دبیر شورای عالی امنیت ملی، گفت: کارشناسان حوزه لجستیک دریایی معتقدند که اثرگذاری این اقدام، در برخی جنبه‌ها فراتر از شلیک موشک است و با قرار دادن کشتی‌ها در لیست تحریم، عملاً امکان عبور آنها از تنگه هرمز در آینده سلب خواهد شد. این منطقه ممنوعه برای مدت زمان مشخصی تعریف شده و نشان‌دهنده تغییر رویکرد ایران پس از خروج آمریکا از توافقات قبلی است. وی با بیان اینکه در هفته اخیر فشارها بر متخلفان در تنگه هرمز به شدت افزایش یافته، از طراحی سامانه جدیدی برای کنترل تردد در خلیج فارس و دریای عمان در این منطقه ممنوعه خبر داد. رضایی در پاسخ به سوالی درباره محاصره اقتصادی آمریکا، این اقدامات در حوزه تحریم کشتی‌ها را گامی فراتر از حوزه عملیات نظامی دانست که فشار سنگینتری را بر آمریکا وارد کرده و به طور قطع بر قیمت نفت و افزایش هزینه‌ها برای طرف مقابل تأثیرگذار خواهد بود. وی در عین حال ادعای ایجاد فحطی در ایران بر اثر محاصره اقتصادی را رد کرد و گفت که دولت ذخایر کافی از مواد غذایی و کالاهای اساسی را پیشبینی کرده است. دبیر شورای عالی امنیت ملی همچنین درباره فروش نفت اظهار داشت که در فرصتهای ایجاد شده، روزانه حدود یک تا یک و نیم میلیون بشکه نفت به فروش میرسد و پول آن نیز به کشور بازمیگردد و به عنوان نمونه، در نخستین هفته پس از توافقات، ۷۰ تا ۸۰ میلیون بشکه از ذخایر شناور به مقاصد فروش ارسال شده است.

آیا محاسبات برلین تغییر کرده است؟



■ «اسرائیل کار کثیف را برای همه ما انجام می‌دهد»، این جمله فریدریش مرتس، صدراعظم آلمان، در سال گذشته شاید یکی از صریح‌ترین نشانه‌های نگاه امنیتی برلین به جنگ علیه ایران بود؛ نگاهی که در آن، تل‌آویو در جایگاه مجری و اروپا در جایگاه ناظر و حامی قرار می‌گرفت. اما اکنون، با گذشت زمان و نمایان‌تر شدن تبعات اقتصادی جنگ، ادبیات برلین از دفاع از عملیات نظامی و تأکید بر ملاحظات امنیتی، به سخن گفتن از ضرورت پایان جنگ و هشدار درباره تبعات اقتصادی آن تغییر کرده است. این تغییر لحن را نمی‌توان صرفاً یک تحول سیاسی یا دیپلماتیک دانست. اقتصاد آلمان اکنون خود به یکی از قربانیان مستقیم بی‌ثباتی ناشی از جنگ تبدیل شده است؛ از افزایش قیمت انرژی و تورم گرفته تا بالا رفتن هزینه استقراض دولت. بر اساس گزارش‌های اقتصادی اخیر، تورم آلمان در اوت ۲۰۲۶ به ۲.۹ درصد رسید و تورم انرژی نیز به ۱.۵ درصد افزایش یافت؛ در حالی که نرخ تورم هسته در سطح ۲.۴ درصد باقی ماند. این ارقام نشان می‌دهد جنگ برای برلین دیگر فقط یک مسئله مربوط به «امنیت خاورمیانه» نیست؛ بلکه به مسئله‌ای در قلب اقتصاد داخلی آلمان تبدیل شده است. اقتصاد آلمان، به‌عنوان موتور صنعتی اروپا، بیش از بسیاری از اقتصادهای اروپایی نسبت به قیمت و امنیت انرژی حساس است. صنایع بزرگ، بخش تولید، حمل‌ونقل و زنجیره‌های تأمین همگی از افزایش هزینه انرژی و بی‌ثباتی بازارها تأثیر می‌پذیرند. به همین دلیل، هرگونه جهش در قیمت نفت و گاز، تنها به افزایش قیمت سوخت در جایگاه‌ها یا قبوض انرژی خانوارها محدود نمی‌شود؛ بلکه در یک زنجیره به افزایش هزینه تولید، فشار تورمی، کاهش قدرت خرید و در نهایت کاهش رشد اقتصادی منجر می‌شود. حتی هزینه تأمین مالی دولت نیز از این بحران مصون نمانده است. وزیر دارایی آلمان اخیراً افزایش نرخ اوراق قرضه این کشور را به نااطمینانی جهانی ناشی از جنگ آمریکا و ایران نسبت داده است. بازده اوراق ۳۰ ساله دولت آلمان در مقطعی به ۳.۷۹ درصد رسید که بالاترین سطح از سال ۲۰۱۱ بود. معنای این تحول روشن است، جنگ اکنون فقط برای برلین هزینه سیاسی ندارد؛ هزینه آن روی صورت‌حساب اقتصادی دولت نیز ظاهر شده است. در چنین شرایطی، پرسش درباره تغییر رویکرد آلمان، پرسشی فراتر از یک موضع‌گیری دیپلماتیک است. آیا برلین واقعا به این نتیجه رسیده است که ادامه جنگ هزینه‌هایی دارد که دیگر نمی‌توان آنها را صرفاً با استدلال‌های امنیتی توجیه کرد؟ پاسخ سخنگوی وزارت امور خارجه به این پرسش، قابل تأمل بود: «می‌دانیم که این گونه باشد.» این پاسخ در واقع نشان می‌دهد تهران تغییر ادبیات اروپا را مشاهده می‌کند، اما هنوز آن را تغییر راهبردی نمی‌داند. از نگاه جمهوری اسلامی ایران، کشورهای اروپایی مدت‌هاست از منشأ مشکلات اقتصادی و انرژی خود اطلاع دارند، اما مسئله اصلی آن است که حاضر نیستند این واقعیت



با عمل به بار می‌آید نه فقط با حرف و شعار

■ محسن فتحی، نماینده مردم سمنندج، دیواندره و کامیاران در مجلس شورای اسلامی، با تأکید بر ضرورت تقویت سرمایه اجتماعی و امیدآفرینی در جامعه، گفت: در شرایط کنونی دولت، مجلس و همه ارکان حاکمیت باید با عملکرد و اقدامات ملموس، شکاف میان مردم و حاکمیت را کاهش داده و وحدت و انسجام شکل گرفته در کشور را تداوم ببخشند. فتحی در گفت‌وگوی تفصیلی با خبرنگاری مهر، صادقانه سخن گفتن با مردم، هدفمند کردن منابع محدود، توجه ویژه به اقشار آسیب‌پذیر، ایجاد اشتغال و حمایت از تولید را از مهم‌ترین الزامات جلوگیری از تبدیل مشکلات اقتصادی به بحران‌های اجتماعی دانست و بر ضرورت فراهم کردن زمینه نقش‌آفرینی جوانان در عرصه‌های اقتصادی، مدیریتی، نوآوری و فناوری تأکید کرد. این نماینده مجلس همچنین با تشریح ظرفیت‌های استان کردستان در حوزه‌های کشاورزی، گردشگری، معدن و مرز، رفع بروکراسی اداری و تسهیل سرمایه‌گذاری را از ضرورت‌های توسعه استان عنوان کرد و گفت: مرزهای کشور، به‌ویژه مرزهای کردستان، به جای آنکه صرفاً تهدید تلقی شوند، باید به فرصتی برای اشتغال، رونق اقتصادی و تقویت امنیت مردم‌محور تبدیل شوند. فتحی همچنین بر پرهیز جریان‌های سیاسی از دامن زدن به اختلافات در شرایط کنونی، ضرورت اصلاح متناسب بودجه و برنامه هفتم با شرایط جدید کشور و توجه به مسائل معیشتی مردم تأکید کرد و در پایان، از نقش خبرنگاران و فعالان رسانه‌ای در روایت وقایع و حفظ امید و انسجام جامعه تقدیر کرد. آقای دکتر، به عنوان اولین سوال، با توجه به شرایط امروز کشور و یکی از حوزه‌های مهمی که قطعاً دغدغه شما نیز هست، مباحث اجتماعی است. اولویت‌های کشور را در حوزه مسائل اجتماعی چه می‌دانید؟ با توجه به اشرافی که به حوزه انتخابیه خود دارید و مسائلی که از منظر مجلس در داخل کشور می‌بینید، اولویت‌های اجتماعی کشور را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ فتحی: از شما تشکر می‌کنم. ببینید، در این برهه زمانی، با توجه به شرایطی که طی یک سال گذشته پشت سر گذاشتیم و با در نظر گرفتن آینده‌ای که پیش رو داریم، مهم‌ترین اقدامی که باید انجام شود، امیدآفرینی است. واقعیت این است که دولت، مجلس و همه ارکان نظام و حاکمیت در این مقطع باید برای تقویت و افزایش سرمایه اجتماعی تلاش کنند، شکاف میان حاکمیت و ملت را کاهش دهند و وحدت و یکپارچگی‌ای را که در طول ایام جنگ رمضان میان احاد ملت شکل گرفت، تداوم ببخشند. در کنار این موارد، باید آمیدی نیز نسبت به آینده‌ای که پیش روی مردم قرار دارد، ایجاد شود.

البته امیدآفرینی صرفاً با شعار محقق نمی‌شود؛ بلکه قطعاً به عمل نیاز دارد. وقتی مردم ببینند دولتمردان و مسئولان پای کار هستند و هر فردی که در نظام مقدس جمهوری اسلامی مسئولیت و منصبی بر عهده دارد، از جایگاه خود برای ایجاد آثار و نتایج مثبت استفاده می‌کند، آن‌گاه امید در جامعه شکل می‌گیرد. واقعیت این است که همه باید پای کار باشند. وقتی مردم ببینند مسئولان برای حل مشکلات تلاش می‌کنند، از یک سو زمینه اشتغال نوجوانان و جوانان را فراهم می‌کنند، از سوی دیگر به تولید کمک می‌کنند و برای بهبود وضعیت معیشتی و افزایش رفاه اجتماعی تلاش دارند، قطعاً امیدآفرینی در جامعه شکل خواهد گرفت. امید اجتماعی مقوله بسیار گسترده‌ای است و اگر بخواهیم به طور مفصل درباره آن صحبت کنیم، به جلسات و مباحث زیادی نیاز دارد؛ اما به‌طور کلی، بنده به عنوان عضو کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی، بیش از پیش احساس می‌کنم که جامعه امروز ما به امیدآفرینی نیاز دارد. این امیدآفرینی با عمل و دیده شدن اقدامات و تلاش‌ها در جامعه به وجود می‌آید، نه صرفاً با حرف و شعار. با توجه به نکتته‌ای که اشاره کردیم، به نظر می‌رسد مسائل اقتصادی می‌توانند بر مسائل اجتماعی که به آن اشاره کردیم، سایه بیندازد و در صورت تداوم، این مشکلات اقتصادی را به بحران اجتماعی تبدیل کند. برای اینکه مشکلات اقتصادی کشور به مسائل و بحران‌های اجتماعی منجر نشود، به نظر شما چه اقداماتی باید انجام شود؟ از نظر شما دولت و کلیت حاکمیت باید چه رویکردی در پیش بگیرند تا مسائل اقتصادی که امروز به هر دلیلی با آن مواجه هستیم، به بحران‌های اجتماعی تبدیل نشود؟ فتحی: ببینید، نکته اول این است که باید صادقانه با مردم صحبت کنیم. مردم ولی‌نعمت ما هستند؛ ما هستیم چون مردم هستند و فلسفه وجودی ما نیز به وجود همین مردم برمی‌گردد. مردم ما را انتخاب کرده‌اند تا مسئولیتی داشته باشیم و بتوانیم کاری برای آنها انجام دهیم. بنابراین باید مسائل را با مردم در میان بگذاریم. محال است بخواهیم طرحی مانند اصلاح نرخ حامل‌های انرژی را اجرا کنیم، اما پیوست اجتماعی و الزامات مربوط به آن را در نظر نگیریم و بدون فراهم کردن مقدمات لازم، وارد مرحله اجرا شویم.

باید با مردم و جامعه صحبت کنیم. اجتماع، جامعه و اقتصاد را اصلاً نمی‌توان از یکدیگر جدا کرد.



درونی کردن فرهنگ مقاومت

نشست تخصصی «تربیت و مقاومت» با حضور دکتر محمد ترمس، استاد و پژوهشگر لبنانی، حجت‌الاسلام نخعی و جمعی از فعالان و پژوهشگران حوزه تربیت، به همت مرکز فرهنگی — پژوهشی رسول‌السلام و مجموعه روایت انسان در خانه اندیشه‌ورزان تهران برگزار شد.

این نشست با هدف بررسی نسبت میان تربیت انسان و شکل‌گیری روحیه مقاومت در فرد و جامعه برگزار شد. محور اصلی گفت‌وگوها بر این ایده استوار بود که مقاومت اگرچه در بزنگاه‌های سیاسی و تاریخی آشکارتر می‌شود، اما ریشه‌های آن بسیار پیش‌تر و در لایه‌های تربیتی، هویتی و فرهنگی شکل می‌گیرد.

مقاومت یک ایستادگی درونی است، نه صرفاً یک کش بیرونی

دکتر محمد ترمس، پژوهشگر لبنانی و مهمان ویژه این نشست، در ابتدای سخنان خود با ارائه تعریفی عمیق از مفهوم مقاومت، تصریح کرد: مفهوم مقاومت را نباید صرفاً در میدان تقابل‌های سیاسی یا نظامی جست‌وجو کرد. مقاومت پیش از آنکه یک کش بیرونی باشد، نوعی ایستادگی درونی و حاصل شکل‌گیری باور، اراده، امید و احساس مسئولیت در انسان است. فردی که نسبت به هویت خود و جامعه‌اش احساس تعلق دارد، در برابر فشار، تحقیر و بی‌عدالتی منتقل نمی‌ماند و برای حفظ کرامت و ارزش‌های خود تلاش می‌کند.

وی با تشریح تجربه کشورش افزود: تجربه جامعه لبنان، به‌ویژه در سال‌های مواجهه با جنگ، اشغال و بحران‌های اقتصادی، به‌وضوح نشان می‌دهد که پایداری یک جامعه تنها با امکانات مادی یا سازوکارهای رسمی تحقق پیدا نمی‌کند. آنچه می‌تواند ظرفیت ایستادگی را در یک جامعه حفظ کند، پیوند عمیق میان هویت، ایمان، حافظه تاریخی، خانواده و نهادهای اجتماعی است.

خانواده و مدرسه، کانون‌های اصلی تمرین تابآوری

این استاد دانشگاه با تأکید بر نقش بنیادین خانواده در شکل‌گیری شخصیت، خاطرنشان کرد: خانواده نخستین محیطی است که کودک در آن معنای محبت، امنیت، مسئولیت و اعتماد را تجربه می‌کند. اگر خانواده بتواند این مفاهیم را در زندگی روزمره جاری کند، زمینه شکل‌گیری انسانی فراهم می‌شود که در آینده در برابر دشواری‌ها دچار فروپاشی و انفعال نخواهد شد.

ترمس در ادامه به نقش نهادهای آموزشی اشاره کرد و گفت: مدرسه تنها محل انتقال دانش نیست؛ بلکه می‌تواند محلی برای تمرین مسئولیت‌پذیری، کار جمعی، گفت‌وگو و حل مسئله باشد. تربیت مقاومتی به‌معنای ایجاد فضای ترس یا تقابل دائمی نیست، بلکه به معنای پرورش نسلی است که توان تحلیل واقعیت، قدرت تصمیم‌گیری و تابآوری در برابر دشواری‌ها را دارد.

وی با انتقاد از آموزش‌های صرفاً تئوریک تأکید کرد: نوجوان و جوان زمانی یک مفهوم ارزشی را درونی می‌کند که آن را در رفتار و روابط اطرافیان، شیوه اداره مجموعه‌های فرهنگی و واقعیت اجتماعی مشاهده کند. مسئولیت‌پذیری، ایثار و همدلی باید از سطح سخن و توصیه فراتر برود و در قالب موقعیت‌های واقعی برای نسل جدید تمرین شود.

زبان تربیتی را به تجربه زیسته نسل جدید گره بزنیم

در بخش دیگری از این نشست، حجت‌الاسلام نخعی با طرح پرسش‌هایی درباره وضعیت امروز عرصه تربیت، بر لزوم تغییر رویکرد در انتقال مفاهیم تأکید کرد.

وی در این باره اظهار داشت: ما امروز بیش از هر زمان دیگری به بازخوانی زبان تربیتی و ترجمه مفاهیم کلان به برنامه‌های قابل‌فهم و عملی برای مخاطبان نیاز داریم. اگر مفاهیم مهمی مانند هویت، مسئولیت، ایثار و مقاومت صرفاً در قالب‌های تکراری و بدون توجه به تجربه زیسته جوانان ارائه شود، امکان ارتباط مؤثر با مخاطب به‌شدت کاهش می‌یابد.

حجت‌الاسلام نخعی با اشاره به ویژگی‌های نسل جدید افزود: نسل جدید نیازمند شنیده‌شدن، مشارکت‌کردن و تجربه‌کردن است. تربیت مؤثر، بدون گفت‌وگو با این نسل و اعتماد به ظرفیت‌های آن، به نتیجه مطلوب نخواهد رسید. ما باید میدان‌های عملی برای نقش‌آفرینی واقعی آنان ایجاد کنیم، نه اینکه صرفاً به توصیه‌های شعاری بسنده کنیم.



بزرگ‌تری را بر سر جامعه ایرانی بگستراند، امکان ایجاد همدلی و مشارکت بیشتر می‌شود.

آیا نظام حکمرانی نیز می‌تواند در میزان همدلی و مشارکت مردم اثر بگذارد؟

بله، همان‌طور که عرض کردم، خود نظام‌های حکمرانی نیز از طریق راهبردهایی که تعیین می‌کنند، می‌توانند این دل‌مشغولی عامل ایرانی را که از آن با عنوان درگیری و مشارکت یاد می‌شود، تعمیق یا تضعیف کنند.مسئله این است که انسان ایرانی چگونه می‌تواند دل مشغول یک نظام حکومتی اسلامی مبتنی بر مشارکت عمومی شود همه سخن دوست ندارد هیچ مانی در برابر خود ببیند. بنابراین، اجبار برای او مطلوب نیست. البته این به معنای آن نیست که اجبار به‌طور مطلق منتفی باشد، چرا که در نهایت حکومت‌ها برای حفظ نظم، اجبار مشروع اعمال می‌کنند، اما در حوزه ایجاد وحدت و همدلی، ابزار اجبار کارایی ندارد.

آیا با وجود اینکه حکومت‌ها اجبار مشروع اعمال می‌کنند، می‌توان اجبار را برای جامعه پذیرفت؟ حکومت‌ها در عین حال که اجبار مشروع اعمال می‌کنند، باید این اجبار را برای جامعه پذیرش‌پذیر کنند؛ یعنی اجبار باید به‌گونه‌ای صورت‌بندی و اعمال شود که جامعه آن را بپذیرد. از این جهت، اجبار به آن معنایی که فرمودید ممکن نیست؛ اما این به معنای نفی مطلق اجبار مشروع نیست .

چگونه می‌توان وحدت یا همدلی ایجاد کرد؟ همدلی و وحدت در نسبت با اهداف و عهده‌ها شکل می‌گیرند؛ یعنی عهده‌های جمعی که درباره اهداف وجود دارند. ما باید اهداف را به‌گونه‌ای تعیین کنیم که همدلی در میان انسان ایرانی به‌صورت حداکثری اتفاق بیفتد.

برای مثال، اگر در جامعه ایران هدف را پیشرفت ایران و تعالی ایران قرار دهیم، انسان‌های بسیاری می‌توانند ذیل چتر تعالی و پیشرفت ایران قرار بگیرند. اگر اندکی پایین‌تر از این هدف حرکت کنید، تازه تمایزهای افراد آشکار می‌شود و تفاوت‌های آنان مشخص می‌شود. اما اگر بخواهید بر مفهومی غیر از این معنا تأکید کنید، تازه آغاز تنازعات خواهد بود؛ زیرا ممکن است گروهی بگویند ما اساساً آن مفهوم را قبول نداریم تا بخواهیم درباره آن اقدامی انجام دهیم. بنابراین، هرچه این مفهوم، هدف یا عهد عمومی‌تر باشد و بتواند چتر

مردم را درگیر مسئله وحدت کنیم

نفس‌الامری، دین مُرسل و دین نهادی مواجهیم. تا این دین در وجه اجتماعی قرار بگیرد و نهادهی شود، ممکن است تفاوت‌ها و تغییراتی پیدا کند. به‌واسطه همین تغییرات، تمایزها را در ادیان نیز مشاهده می‌کنیم. انسان‌هایی که بر اصول و مبانی دینی خود تأکید دارند، این تفاوت‌ها را در فضای اجتماعی نیز گسترش می‌دهند. این امر طبیعی است؛ اما نظام‌های حکمرانی، علی‌القاعده، باید این امر طبیعی را مدیریت و کنترل کنند. در جامعه ایران، ما با ادیان و مذاهب مختلف، اقوام گوناگون و فرهنگ‌های متنوع مواجه هستیم. این تفاوت‌ها می‌توانند چالش‌ساز، تهدیدزا یا فرصت‌آفرین باشند. این نظام‌های حکمرانی هستند که در مواجهه با این تنوع، بسته به راهبردهای اداری و حکمرانی خود، می‌توانند از آن فرصت‌سازی و ظرفیت‌سازی کنند یا موجب تهدیدزایی شوند و جامعه را به سمت اضمحلال ببرند.

آیا می‌توان وحدت و نظم اجتماعی را از طریق اجبار و اکراه به جامعه تحمیل کرد؟

پاسخ مشخصاً منفی است. انسان، به‌ویژه انسان ایرانی، به‌دلیل پیشینه تاریخی و مطالبی که در حکومت‌های پادشاهی طولانی‌مدت بر او وارد شده است، نسبت به اجبار و اکراه نوعی گسست و دافعه دارد و وقتی با چنین چیزی مواجه می‌شود، به‌سرعت آن را پس می‌زند. البته این مسئله از نظر تاریخی نیز قابل بررسی است. از سوی دیگر، به‌طور طبیعی انسان‌ها به اجبار گرایش ندارند؛ چنان‌که قرآن می‌فرماید انسان دوست ندارد هیچ مانی در برابر خود ببیند. بنابراین، اجبار برای او مطلوب نیست. البته این به معنای آن نیست که اجبار به‌طور مطلق منتفی باشد، چرا که در نهایت حکومت‌ها برای حفظ نظم، اجبار مشروع اعمال می‌کنند، اما در حوزه ایجاد وحدت و همدلی، ابزار اجبار کارایی ندارد.

آیا با وجود اینکه حکومت‌ها اجبار مشروع اعمال می‌کنند، می‌توان اجبار را برای جامعه پذیرفت؟

حکومت‌ها در عین حال که اجبار مشروع اعمال می‌کنند، باید این اجبار را برای جامعه پذیرش‌پذیر کنند؛ یعنی اجبار باید به‌گونه‌ای صورت‌بندی و اعمال شود که جامعه آن را بپذیرد. از این جهت، اجبار به آن معنایی که فرمودید ممکن نیست؛ اما این به معنای نفی مطلق اجبار مشروع نیست .

چگونه می‌توان وحدت یا همدلی ایجاد کرد؟

همدلی و وحدت در نسبت با اهداف و عهده‌ها شکل می‌گیرند؛ یعنی عهده‌های جمعی که درباره اهداف وجود دارند. ما باید اهداف را به‌گونه‌ای تعیین کنیم که همدلی در میان انسان ایرانی به‌صورت حداکثری اتفاق بیفتد.

برای مثال، اگر در جامعه ایران هدف را پیشرفت ایران و تعالی ایران قرار دهیم، انسان‌های بسیاری می‌توانند ذیل چتر تعالی و پیشرفت ایران قرار بگیرند. اگر اندکی پایین‌تر از این هدف حرکت کنید، تازه تمایزهای افراد آشکار می‌شود و تفاوت‌های آنان مشخص می‌شود. اما اگر بخواهید بر مفهومی غیر از این معنا تأکید کنید، تازه آغاز تنازعات خواهد بود؛ زیرا ممکن است گروهی بگویند ما اساساً آن مفهوم را قبول نداریم تا بخواهیم درباره آن اقدامی انجام دهیم. بنابراین، هرچه این مفهوم، هدف یا عهد عمومی‌تر باشد و بتواند چتر

زیست اجتماعی انسان همواره میان تمایل طبیعی به شباهت و تکرر ناگزیر در لایه‌های هویتی و اعتقادی در نوسان است؛ عرصه‌ای که نظام‌های حکمرانی را در برابر آزمون خطیر مدیریت تمایزهای مذهبی قرار می‌دهد. از آنجا که وفای و همدلی اجتماعی مقوله‌ای قلبی و برآمده از پذیرش اختیاری است، الگوهای انضباطی صلب و ابزار اجبار در ایجاد وحدت پایدار کارایی ندارند. به مناسبت هفته وحدت و برای واکاوی ظرفیت‌های تنوع دینی و نقد سازوکارهای دستوری در همگرایی، با حسین بابایی مجرّد، عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، به گفت‌وگو نشست‌ایم.

جایگاه وحدت و همدلی در فضای اجتماعی چیست و ریشه‌های گرایش انسان به شباهت با دیگران در زندگی جمعی کجا قرار دارد؟

ابتدا باید گفت انسان‌ها به‌طور طبیعی، به دلیل اجتماعی‌بودن سرشت انسان، به زندگی اجتماعی گرایش دارند. ممکن است برخی این اجتماعی‌بودن را سرشتی و طبیی بدانند و بگویند انسان، مدنی بالطبع است؛ مانند مرحوم استاد مطهری. برخی دیگر، مانند علامه طباطبایی، انسان را مدنی بالاخص‌رار بدانند؛ یعنی معتقد باشند انسان ناگزیر از زیست اجتماعی و مدنی است وگرنه به‌طور طبیعی به زندگی انفرادی گرایش دارد. چه این دیدگاه را بپذیریم و چه آن دیدگاه را، در نهایت انسان به زندگی و زیست اجتماعی گرایش دارد. انسان‌ها در فضای اجتماعی تمایل دارند به یکدیگر شبیه شوند. به همین دلیل می‌بینید بسیاری از رفتارهایی که در فضای اجتماعی به آداب اجتماعی یا آداب زیست اجتماعی تبدیل می‌شوند، ثمره همین تشبیه هستند. انسان‌ها تمایل دارند خود را شبیه یکدیگر کنند. در این میان، بخش اقلیت جامعه خود را شبیه پخش اکثریت می‌کند. وقتی اکثریت جامعه رفتاری را انجام می‌دهند، اقلیت اگر بخواهد برخلاف آن رفتار کند، باید رفتار خود را توجیه کند. به تعبیر امروزی، باید برای رفتار خود موجه‌بودن یا دلیلی داشته باشد؛ یعنی رفتاری که دیگران وقتی آن را می‌بینند، بتوانند آن را درک کنند و برایش دلیل بیاورند. از این جهت، انسان‌ها به یکدیگر شبیه می‌شوند تا دیگر نیازی به توجیه و دلیل نباشد. در آیات قرآن نیز آمده است که کافران دوست دارند مؤمنان نیز مانند آن‌ها کافر شوند تا با یکدیگر برابر و مشابه شوند. بنابراین، چنین گرایشی در زیست اجتماعی انسان وجود دارد و می‌توان گفت چنین طبیعی‌در انسان هست.

با وجود میل به شباهت، تفاوت‌های اعتقادی و دینی چگونه در عرصه اجتماعی بروز می‌یابند و نقش نظام‌های حکمرانی در مدیریت این تمایزها چیست؟

انسان‌ها از نظر اعتقادی ممکن است، یا حتی حتماً، تفاوت‌ها و تمایزهایی با یکدیگر داشته باشند. آن‌ها معتقدات مختلفی دارند و همین معتقدات، آنان را از یکدیگر متمایز و جدا می‌کند. اساس این تمایز و تفکیک نیز در تدبیر انسان‌هاست. انسان‌هایی که پیرو یک دین هستند، متناسب با اصول، مبانی، احکام و اخلاق دینی، ممکن است در ادیان، مذاهب و شریعت‌ها تفاوت‌هایی با یکدیگر داشته باشند. هرچند دین نزد خدا یکی است و آن اسلام است و اسلام همان تسلیم است، اما همین دین نیز از آن جهت که می‌توان برای آن شئون و وجوه مختلفی در نظر گرفت، ممکن است در عرصه اجتماعی با تفاوت‌هایی همراه شود. ما با دین



معمای تاریک ازدواج با محارم در احکام بهائیت

■ میرحسین کامل نواب، کارشناس نقد بهائیت؛ اگر پای صحبت مبلغان تشکیلات بهائیت بنشینید، احتمالاً گوشتان از شعارهای لوکس و جذابی مثل «تساوی حقوق زن و مرد»، «ترک تعصبات» و «صلح جهانی» پر خواهد شد. این سازمان همواره تلاش کرده تا نقابی از تجدد و روشنفکری بر چهره بکشد و خود را در قامت یک آیین مترقی به جهان معرفی کند. اما برای شناخت عیار واقعی هر جریان، نباید به ویرترین تبلیغاتی آن بسنده کرد. کالبدشکافی متون فقهی و احکام پایه این فرقه، ما را با یکی از تاریک‌ترین و هنجارشکنانه‌ترین بحران‌های اخلاقی تاریخ مواجه می‌کند: مسئله ازدواج با محارم و فقدان مرزهای قانونی در روابط جنسی مشروع.

خشت اول این انحراف اخلاقی را سید علی‌محمد شیرازی (باب) بنا نهاد. او در احکامی شگفت‌انگیز که تمام خطوط قرمز و فطری بشر را رد می‌کرد، برای حل مشکل زوج‌های نابارور دستور داد که اگر زنی از همسرش یاردار نشد، می‌تواند با اجازه او از یک مرد دیگر (به شرط بایی بودن) برای فرزندآوری استفاده کند (پیان عربی الباب الخامیسُ وَالْمُشْرُ مِنْ الْوَلَدِ) این حکم صریح، عملاً حریم خانواده را در همان نقطه پیدایش این جریان متلاشی کرد و راه را بر اباحه‌گری گشود.

اما فاجعه اصلی در دوران میرزا حسینعلی نوری (به‌الله) و با نگارش «کتاب اقدس» (مهم‌ترین مرجع قانون‌گذاری بهائیان) رقم خورد. به‌الله در این کتاب، تنها و تنها ازدواج با «زن پدر» (نامادری) را حرام اعلام کرد و در خصوص ممنوعیت ازدواج با سایر محارم خونی مانند مادر، خواهر، دختر، خاله و عمه کاملاً سکوت کرد در فقه بهائی قاعده‌ای قطعی وجود دارد که می‌گوید «عدم ذکر در الواج الهی، نفس جواز است» (مانده آسمانی۲/۴۲) یعنی هر چیزی که صراحتاً از آن نهی نشده باشد، مباح و حلال است. بر همین اساس، در سیستم فقهی بهائیت، ازدواج با مادر و خواهر کاملاً مجاز تلقی می‌شد!

این گاف بزرگ فقهی خیلی زود به پاشنه آشیل تشکیلات تبدیل شد. وقتی پیروان این فرقه به تعجب از عبدالله‌ء رهبر دوم درباره حلال بودن ازدواج با نزدیکان پرسیدند، او از پاسخگویی شفاف طفره رفت و تشریع این حکم بدیهی را به نهادی در آینده به نام «بیت‌العدل» حواله داد. عجیب‌تر اینکه بیت‌العدل مستقر در حیفا نیز تا ۱۵ ژانویه ۲۰۱۰ میلادی بیش از ۱۳۰ سال پس از نگارش اقدس در برابر این فاجعه اخلاقی سکوت کرد این یعنی تا پیش از سال ۲۰۱۰، ازدواج با خواهر، مادر و سایر نزدیکان در ساختار بهائیت رسماً بالامانع و مجاز بوده است.

با این حال، محققان و رسانه‌های منتقد معتقدند که ماجرای ازدواج با محارم، تنها بخش کوچکی از یک «سیاه‌چاله اخلاقی» بزرگ‌تر است. چالش اصلی و هولناک احکام بهائیت این است که اساساً چیزی به نام طبقه «محارم» در آن تعریف نشده است. فاجعه‌بارتر اینکه در این مسلک، به جز رابطه جنسی میان دو غیرهمجنس مجرّد،

منابع ارزی بانک‌ها از کجا می‌آید؛ ظرفیت تازه یا ناترازی پنهان؟



ملک در مسیر مولدسازی

املاک دولتی در روزهای اخیر وارد فاز ارزی اساس اعلام احسان عسکری، رئیس هیئت سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی، توانند برای املاک خود کارگزار معرفی کنند ی نیز امکان ورود به فرآیند تأمین مالی و نوانند داشت به گفته او، اگر دستگاهی نتواند ه ملک خود را به فروش برساند، وزارت امور ن موضوع ورود خواهد کرد بر اساس آخرین یوی مدیرعامل سازمان جمع‌آوری و فروش ۳ هزار و ۷۱ ملک و پلاک ثبتی در چارچوب سایی شده که ارزش تقریبی این دارایی‌ها ن اعلام شده است. «شناسایی» یک ملک به ی آماده بودن آن برای فروش نیست. دارایی مراحل کارشناسی، تعیین وضعیت حقوقی، ارزش‌گذاری، تصویب قیمت و در صورت انتخاب روش فروش، فرآیند قانونی واگذاری را طی کند.از میان املاک شناسایی‌شده، ۸۴۱ ملک با ارزش تقریبی ۱۲۰ هزار میلیارد تومان در مراحل مربوط به تعیین تکلیف، ارزش‌گذاری و تصویب قیمت قرار گرفته‌اند. در عین حال، طبق اعلام سازمان اموال تملیکی، ۱۷۹ ملک به ارزش تقریبی ۳۸ هزار میلیارد تومان تاکنون مولدسازی شده است. در این موارد روش‌هایی از جمله تهاتر، واگذاری و معاوضه مورد استفاده قرار گرفته است. در واقع در فاز جدید مولدسازی دیگر صرفاً شناسایی دارایی مطرح نیست؛ بلکه تبدیل دارایی شناسایی‌شده به یک منبع مالی یا اقتصادی بافعل است. یکی از نکات مهم در مرحله جدید مولدسازی این است که «مولدسازی» الزاماً مترادف با فروش نقدی ملک نیست. برخی دارایی‌های دولتی ممکن است ارزش اقتصادی بیشتری در صورت بهره‌برداری، مشارکت، تأمین مالی یا توسعه پروژه داشته باشند. بنابراین، انتخاب روش مناسب برای هر دارایی اهمیت بیشتری از صرفاً خروج آن از فهرست املاک دولت پیدا می‌کند. از همین منظر، استفاده از صندوق‌های سرمایه‌گذاری، ابزارهای تأمین مالی، تهاتر، مشارکت و سایر روش‌های مالی می‌تواند در کنار فروش مستقیم مورد توجه قرار گیرد. در واقع، پرسش اصلی این نیست که دولت چه تعداد ملک بفروشد؛ بلکه این است که از هر دارایی چگونه بیشترین ارزش اقتصادی قابل تحقق ایجاد شود.

سیدعلی مدنی‌زاده، وزیر امور اقتصادی و دارایی پیش‌تر درباره امکان استفاده از ظرفیت بازار سرمایه برای مولدسازی زمین‌های متعلق به دولت و سایر نهادها، ایده توکن‌سازی دارایی‌های ملکی را مطرح کرده بود؛ به این معنا که یک زمین بتواند به توکن‌های متعدد تبدیل و این توکن‌ها در بازار سرمایه در اختیار مردم و نهادهای مالی قرار گیرد.

بر اساس توضیحات وزیر اقتصاد، در چنین مدلی سرمایه‌گذاران می‌توانند در ارزش و منافع اقتصادی حاصل از زمین مشارکت داشته باشند. این نگاه مولدسازی را از یک فرآیند صرفاً مبتنی بر فروش یکباره دارایی به سمت فعال‌سازی ارزش اقتصادی دارایی سوق می‌دهد.

هدف از مولدسازی نیز صرفاً کوچک کردن حجم دارایی‌های دولت نیست. منابع حاصل از این فرآیند می‌تواند برای تأمین مالی پروژه‌های عمرانی و زیرساختی مورد استفاده قرار گیرد. در چنین مدلی، آن دسته از این دارایی‌ها که برای دولت بازدهی اقتصادی مستقیمی ایجاد نمی‌کند، می‌تواند به منابعی برای تکمیل پروژه‌های تبدیل شود که در نهایت ظرفیت جدیدی برای اقتصاد ایجاد می‌کند. مهلت شش‌ماهه اعلام‌شده برای دستگاه‌های دولتی می‌تواند نقطه مهمی در اجرای این سیاست باشد؛ چرا که یکی از مسائل همیشگی در حوزه دارایی‌های دولتی، فاصله میان شناسایی و اقدام عملی بوده است. اکنون دستگاه‌ها علاوه بر امکان استفاده از کارگزاران و ظرفیت بخش خصوصی، با این انتظار مواجه‌اند که دارایی‌های خود را در یک بازه زمانی مشخص تعیین تکلیف کنند. مجموع آمارهای جدید و رویکردهای مطرح‌شده درباره آینده مولدسازی، نشان می‌دهد سیاست مدیریت دارایی‌های دولت در حال حرکت به سمت یک مسئله اساسی‌تر است.

در یک نگاه موفقیت مولدسازی با تعداد املاک فروخته‌شده سنجیده می‌شود؛ اما در نگاه اقتصادی‌تر، معیار اصلی باید میزان ارزش ایجادشده و منابعی باشد که از دارایی‌های دولتی برای تأمین مالی فعالیت‌های مولد و پروژه‌های اولویت‌دار آزاد می‌شود.

بنابراین مهلت شش‌ماهه را می‌توان مرحله‌ای برای سرعت بخشیدن به تعیین تکلیف دارایی‌ها دانست و ایده‌هایی مانند استفاده از ظرفیت بازار سرمایه و توکن‌سازی را نیز بخشی از بحث گسترده‌تر درباره تغییر شیوه بهره‌برداری از این دارایی‌ها است.

در نظر بگیرد. ناترازی ارزی فقط از تفاوت عددی میان دارایی‌ها و بدهی‌های ارزی ایجاد نمی‌شود. تفاوت نوع ارز، نرخ تسعیر، سررسید قرارداده‌ها و میزان نقدشوندگی دارایی‌ها نیز اهمیت دارد. ممکن است ترازنامه یک بانک در ظاهر متعادل باشد، اما دارایی‌های آن بلندمدت، غیرجاری یا انتقال‌ناپذیر و بدهی‌هایش کوتاه‌مدت و عندالمطالبه باشد. نیما فرهنگند در ارزیابی این موضوع می‌گوید: «افزایش پرداخت تسهیلات ارزی زمانی به ناترازی منجر نمی‌شود که بانک برای هر تعهد، منبعی هم‌راز، هم‌سررسید و واقعاً قابل انتقال داشته باشد. اگر سپرده کوتاه‌مدت به وام بلندمدت تبدیل شود یا دریافت‌کننده تسهیلات فاقد درآمد ارزی باشد، ریسک نرخ ارز و نکول در نهایت به ترازنامه بانک منتقل خواهد شد.»

وضعیت حتی در صورت یکسان بودن نوع ارز دارایی و بدهی، می‌تواند ریسک نقدینگی ایجاد کند. ریسک دیگر زمانی شکل می‌گیرد که تسهیلات‌گیرنده درآمد ارزی پایدار نداشته باشد. واحدی که محصول خود را در بازار داخلی و به ریال می‌فروشد، برای بازپرداخت وام ارزی باید در سررسید از بازار ارز خرید کند. جهش نرخ ارز می‌تواند هزینه بازپرداخت را افزایش دهد و تسهیلات را غیرجاری کند. در این حالت، بانک همچنان باید بدهی ارزی خود را به سپرده‌گذار یا تأمین‌کننده خط اعتباری بپردازد. استفاده از منابع صادراتی زمانی کورریسک‌تر است که دریافت‌کننده تسهیلات نیز صادرکننده باشد، جریان درآمد ارزی قابل پیش‌بینی داشته باشد و اصل و سود وام را با همان ارز بازپرداخت کند. همچنین سررسید منبع و مصرف باید تا حد امکان متطابق باشد و بانک برای تأخیر در وصول اقساط، ذخیره نقد کافی

ایران و ویتنام به دنبال عبور از واسطه‌ها و توسعه تجارت مستقیم

تجارت ایران و ویتنام در حالی در آستانه ورود به مرحله‌ای تازه قرار گرفته که حجم مبادلات دو کشور همچنان فاصله زیادی با ظرفیت‌های واقعی اقتصاد دو طرف دارد. ویتنام طی سال‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین قطب‌های تولید و تجارت در جنوب شرق آسیا تبدیل شده و در مقابل، ایران با برخورداری از ظرفیت‌های قابل‌توجه در حوزه‌های پتروشیمی، مواد معدنی، محصولات کشاورزی، صنایع شیمیایی و مواد اولیه، می‌تواند بخشی از نیازهای این اقتصاد صادرات‌محور را تأمین کند. با این حال، تحریم‌ها، مشکلات نقل‌وانتقال پول، وابستگی تجارت به کشورهای ثالث، هزینه‌های لجستیکی و شناخت ناکافی فعالان اقتصادی ایران از بازار ویتنام باعث شده است بخش قابل‌توجهی از ظرفیت موجود همچنان بافعل نرسد. بررسی آخرین داده‌ها نشان می‌دهد تجارت دو کشور در سال‌های اخیر در محدوده‌ای بسیار پایین‌تر از اهداف تعیین‌شده قرار داشته است. بر اساس داده‌های صادرات ایران به ویتنام در سال ۲۰۲۲ حدود ۶۷۸۴ میلیون دلار و واردات ایران از ویتنام حدود ۳۸۶۴ میلیون دلار بوده که مجموع تجارت را به حدود ۱۰۶۵ میلیون دلار می‌رساند. در سال ۲۰۲۱ نیز تجارت دوجانبه حدود ۱۲۴۵ میلیون دلار گزارش شده بود. این ارقام با هدف افزایش قابل‌توجه تجارت دو کشور فاصله دارد. با این حال، نشانه‌های جدید از تحرک بیشتر در روابط اقتصادی تهران و هانوی حکایت دارد. در اسفند ۱۴۰۴، سفیر ویتنام در ایران اعلام کرد که حجم روابط تجاری دو کشور طی هشت ماه به حدود ۱۰۹ میلیون دلار رسیده است. به گفته او، کالاهایی همچون کتانچو، قهوه، چای و برخی صنایع وابسته از ویتنام وارد ایران شده و در مقابل، ایران محصولاتی در حوزه پتروشیمی، فناوری اطلاعات و مواد اولیه ساختوساز به بازار ویتنام صادر کرده است. سفیر ویتنام همچنین رشد سالانه ۷ تا ۱۰ درصدی روابط تجاری را مطرح و ابزار امیدواری کرده بود حجم تجارت دو کشور طی پنج سال آینده ۵۰ درصد افزایش پیدا کند.

اهمیت بازار ویتنام زمانی روشن‌تر می‌شود که اندازه اقتصاد تجاری این کشور را در نظر بگیریم. تجارت خارجی ویتنام در سال ۲۰۲۵ به رکورد ۹۳۰۰۵ میلیارد دلار رسید؛ صادرات این کشور حدود ۴۷۵۰۴ میلیارد دلار و واردات آن ۴۵۵۰۱ میلیارد دلار بود. اقتصاد ویتنام در همان سال نیز رشد ۸۰۲ درصدی را تجربه کرد و صادرات به موتور اصلی رشد اقتصادی آن تبدیل شد. ساختار اقتصاد ویتنام نیز فرصت مهمی برای ایران ایجاد می‌کند. این کشور یکی از مراکز اصلی تولید و مونتاژ کالاهای صنعتی و الکترونیکی در آسیاست و در زنجیره تأمین شرکت‌های بزرگی مانند سامسونگ، اپل و نایکی نقش دارد. در سال ۲۰۲۵، صادرات کالاهای الکترونیکی و رایانه‌ای ویتنام حدود ۱۰۷۰۷ میلیارد دلار، ماشین‌آلات و تجهیزات نزدیک به ۵۹ میلیارد دلار و تلفن همراه و لوازم جانبی حدود ۵۶۰۷ میلیارد دلار بوده است. در عین حال، وابستگی بالای صنایع ویتنام به مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای وارداتی، این کشور را به بازاری بالقوه برای تأمین‌کنندگان



مسافری و کارگو برای توسعه گردشگری، افزایش تعاملات تجاری و استفاده مؤثرتر از حمل بار هوایی میان دو کشور بررسی شد. یکی از ملموس‌ترین نشانه‌های توسعه روابط تجاری، تحولات مربوط به صادرات محصولات کشاورزی ایران به ویتنام است. هیئتی از وزارت کشاورزی و محیط زیست ویتنام در سال ۱۴۰۴ از ظرفیت‌های تولید، سورت، بسته‌بندی و نگهداری سیب در آذربایجان غربی بازدید کرد و موضوع آغاز صادرات سیب ایران به ویتنام را مورد بررسی قرار داد. این اقدام در چارچوب توسعه دیپلماسی غذایی دو کشور انجام شد. رئیس اتاق مشترک ایران و ویتنام در این خصوص تأکید کرد که با بررسی‌های قرنطینه‌ای و آزمایش‌های مربوط به سلامت محصولات، بخش مهمی از موانع صادرات سیب ایران برطرف شده است. این تحول می‌تواند برای استان‌های تولیدکننده سیب، به‌ویژه آذربایجان غربی، یک بازار جدید ایجاد کند و از تمرکز صادرات این محصول بر بازارهای سنتی بکاهد. البته توسعه صادرات کشاورزی به ویتنام تنها به سیب محدود نمی‌شود. ایران ظرفیت صادرات خشکبار، میوه، محصولات فراوری‌شده کشاورزی، مواد غذایی و برخی محصولات دریایی، لاستیک و کالاهای مصرفی به شمار می‌رود. در کنار کشاورزی، پتروشیمی یکی از مهم‌ترین حوزه‌هایی است که می‌تواند تجارت ایران و ویتنام را متحول کند. داده‌های تجاری اخیر نشان می‌دهد محصولات شیمیایی و پتروشیمی در صادرات ایران به ویتنام جایگاه قابل‌توجهی دارند.

بناها را فقط مصالح به دست نبینید، خا طراتشان شنیدنی است



ایرانی‌ها حتی در دل سختی و خستگی هم راهی برای خندیدن پیدا می‌کنند؛ گاهی یک موقعیت ساده کاری، یک همکار عجیب، دعوای صاحبکار و کارگر یا حتی یک ابزار ساختمانی می‌تواند سوژه‌ای برای ساختن یک خاطره طنز شود. «شمشه شد» از همین جنس روایت‌هاست؛ کتابی که به جای رقتن سراغ آدم‌های مشهور و موقعیت‌های عجیب، دوربین خود را به کارگاه‌های ساختمانی برده و پای خاطرات بناها و کارگران نشسته است.

مهدی پیرهادی در این کتاب مجموعه‌ای از خاطرات طنز بناها را گردآوری کرده؛ خاطراتی که در ظاهر قرار است مخاطب را بخندانند، اما در پس شوخی‌ها تصویری از زندگی کاری، سختی معاش، روابط میان کارگران و صاحبکاران و روزمرگی‌های شغلی قشر زحمتکش جامعه شکل می‌گیرد. «شمشه شد» تلاش می‌کند نشان دهد طنز همیشه از دل موقعیت‌های ساختمانی بیرون نمی‌آید؛ گاهی زندگی روزمره، با تمام سختی‌ها و ددرسراهی‌ش، خودش بهترین نویسنده یک داستان طنز است. روایت‌های این کتاب تصویری متفاوت از دنیای بناها ارائه می‌کنند؛ دنیایی که در آن گرد و خاک، خستگی، خطر و چانه‌زنی با شوخی و رفاقت درهم تنیده شده است.

در بهانه انتشار «شمشه شد» و برای بررسی ایده شکل‌گیری این مجموعه، شیوه جمع‌آوری خاطرات و نسبت طنز با زندگی کارگران و مشاغل مختلف، با مهدی پیرهادی، گردآورنده این کتاب، به گفت‌وگو پرداختیم.* در «شمشه شد» بناها فقط یک گروه شغلی نیستند؛ هر کدام با اخلاق، تکیه کلام، عادت و حتی حساسیت‌های خاص خودشان شناخته می‌شوند. وقتی قرار بر سود خاطرات را جمع‌آوری کنید، چطور تشخیص دادید کدام تفاوت‌های رفتاری ارزش تبدیل شدن به روایت طنز را دارند؟

یکی از معضلات رایج در نگاه به هر گروه از انسان‌ها، مسئله «برچسب‌زدن» است؛ چیزی که در داستان‌نویسی به آن «تیپ‌سازی» می‌گویند. یعنی ما ناخودآگاه عادت کرده‌ایم همه قضا به‌ها، راننده تاکسی‌ها، پرستارها و... را یک شکل ببینیم. در صورتی که هرکدام شخصیت مستقلی دارند. بناها هم از این قاعده مستثنی نیستند و هرکدام اخلاق و منش خاص خود را دارند. از این‌رو، خاطرات هر انسانی جذابیت منحصربه‌فرد خودش را دارد چه برسد به شخص



تاریخ ایران، روی سکوی قهرمانی

■ رضا قیطاسی، ورزشکار کیودر آهنگی، با کسب مدال طلای رشته چوب‌کشی در بازی‌های جهانی روستایی و عشایری ۲۰۲۶ قرقیزستان، نخستین طلای کاروان ایران در این رقابت‌ها را به دست آورد. رضا قیطاسی در جریان این رقابت‌ها با پوششی الهام‌گرفته از لباس جنگجویان دوره هخامنشی در میدان حاضر شد؛ پوششی که توجه حاضران و کاربران شبکه‌های اجتماعی را به خود جلب کرد و تصاویر آن در فضای مجازی بازتاب گسترده‌ای داشت. پوشش جنگجویان ایرانی در دوره هخامنشی از جمله عواملی است که منجر به بازنمایی هویت ایرانی در آثار تاریخی این دوره می‌شود. در نقش‌برجسته‌های تخت‌جمشید، سربازان و نگهبانان ایرانی با جامه‌های بلند یا نیمه‌بلند، شلوار، کلاه یا سرپند و کفش به تصویر کشیده شدند و در کنار این نوع لباس، سلاح‌هایی مثل نیزه، کمان و سپر دیده می‌شود. تنوع فرم لباس و تجهیزات، علاوه بر کاربرد نظامی نشان‌دهنده جایگاه اجتماعی و هویت گروه‌های مختلف در ساختار سپاه هخامنشی بوده است. پوشش رضا قیطاسی با الهام از همین سبک لباس تاریخی، بخشی از عناصر بصری پوشش ایرانی در دوره هخامنشی را به میدان رقابت‌های ورزشی برد. حضور این ورزشکار ایرانی با پوشش الهام‌گرفته از یکی از دوره‌های مهم تاریخ ایران، در کنار موفقیت ورزشی او، تصویری متفاوت از پیوند میان هویت تاریخی و فرهنگی ایران با عرصه ورزش به نمایش گذاشت. قیطاسی در ادامه با عملکرد موفق خود در رشته چوب‌کشی، به عنوان نخستین ورزشکار کاروان ایران در این دوره از بازی‌ها به مدال طلا دست یافت و پرچم جمهوری اسلامی ایران را بر سکوی نخست این رقابت‌ها به اهتزاز درآورد. این موفقیت در حالی رقم خورد که پوشش الهام‌گرفته از تاریخ ایران نیز به یکی از نکات مورد توجه در حاشیه حضور این ورزشکار در بازی‌های جهانی روستایی و عشایری تبدیل شد.



■ یاسر تقوی، سرپرست اداره‌کل کتابخانه‌های عمومی استان تهران، در آیین اختتامیه جشنواره «نثر شعر» با اشاره به برگزاری این برنامه در ایام سوگواری حضرت سیدالشهدا(ع)، اظهار کرد: برگزاری «نثر شعر» برای اداره‌کل کتابخانه‌های عمومی استان تهران و همکاران این مجموعه، توفیقی ارزشمند بود و امیدواریم خوانند این اقدام را از نهمه دست‌اندرکاران، شرکت‌کنندگان و خانواده‌هایی که در طول برگزاری جشنواره همراه ما بودند، بپذیرد.وی ضمن قدردانی از مجموعه سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، داوران و دیگر مجموعه‌ها و افرادی که در برگزاری این برنامه مشارکت داشتند، افزود: از همه بزرگوارانی که در این حماسه فرهنگی ما را همراهی کردند، به‌ویژه بنیان‌گذاران و دست‌اندرکاران این برنامه، تشکر می‌کنم و امیدوارم بتوانیم در مسیر امام حسین(ع) و فرهنگ عاشورا ثابت‌قدم بمانیم.تقوی با اشاره به یاد شهدای انقلاب اسلامی و شهدای جنگ‌های اخیر و به خصوص رهبر شهید انقلاب گفت: یاد شهدای عزیز انقلاب اسلامی و همچنین شهدای جنگ اخیر، جنگ ۱۲روزه و اتفاقات پس از آن را گرامی می‌داریم. امیدواریم در مسیر پادشاست یاد و نام این شهدا نیز ثابت‌قدم باشیم. سرپرست اداره‌کل کتابخانه‌های عمومی استان تهران ادامه داد: در حدیثی از پیامبر اکرم(ص) آمده است که انسان باید در طول زندگی خود را در معرض نسیم‌های رحمت الهی قرار دهد. برای بنده و مجموعه همکاران اداره‌کل کتابخانه‌های عمومی استان تهران، برگزاری سوگواری عاشورایی «نثر شعر» و همراهی با دوستانمان در سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، مصداقی از همین نسیم رحمت الهی بود.وی «نثر شعر» را برنامه‌ای کنه‌نظیر از نظر قالب و محتوا دانست و بیان کرد: قالب شعر، قالبی کنه‌نظیر و اثرگذار است و محتوای این برنامه نیز با ذکر اباعبدالله الحسین(ع)، فرهنگ عاشورا و یاد شهدای عزیز پیوند خورده است؛ بنابراین امیدواریم همه عزیزان در این مسیر ثابت‌قدم باشند. تقوی در پایان با آرزوی سلامتی برای حاضران، خاطر‌نشان کرد: امیدواریم با همراهی دوستان عزیزمان در شهرداری تهران و سایر دستگاه‌ها، بتوانیم چنین برنامه‌ها و اقدامات فرهنگی را در استان تهران بیش از پیش دنبال کنیم.

اکبر بختیاری، دبیر نخستین سوگواره عاشورایی «نثر شعر» و مدیر فرهنگی هنری منطقه ۹ تهران، در آیین اختتامیه این سوگواره با بیان اینکه هدف اصلی این رویداد به خدمت گرفتن هنر شعر برای بیان حقیقت بوده است، گفت: تمام تلاش ما این بود که هنر شعر به خدمت حقیقت بیاید؛ چراکه حقیقت در بسیاری از مقاطع تاریخی اتفاق افتاده، اما ممکن است هنر در خدمت بازنمایی آن قرار نگرفته باشد. وی با اشاره به اینکه حماسه عاشورا بیش از هزار و ۴۰۰ سال پیش رخ داده است، افزود: این واقعه صرفاً یک رویداد تاریخی نیست که در همان زمان باقی مانده باشد، بلکه امتداد و تداوم آن را می‌توان در روزهای امروز نیز مشاهده کرد. زمانی که رهبر ما به شهادت می‌رسد، بلافاصله ذهن انسان به شهادت حضرت سیدالشهدا(ع) و شرایطی بازمی‌گردد که ایشان با وجود ویژگی‌های برجسته و جایگاه دینی و اجتماعی خود به شهادت



پشت دیوارهای پاستور تاریخ جا مانده؟

■ در جریان جنگ اخیر و حملات صورت گرفته به کشورمان، نام برخی خیابان‌ها و اماکنی بیش از پیش بر سر زبان‌ها افتاده که پیش از این کمتر در اخبار مطرح می‌شدند و شناخت چندانی از آنها وجود نداشت. با نگاهی به نقشه، محدوده‌ای از زمین‌های محصور را مشاهده می‌کنیم که حدوداً میان خیابان‌های جمهوری، کارگر جنوبی، ۱۲ فروردین، ولیعصر و امام خمینی قرار گرفته است. این محدوده، در واقع، شرق میدان پاستور و انتهای خیابان کشوردوست را در بر می‌گیرد که بیت رهبری در آن واقع بوده است. ساختمان‌های مهمی همچون مجلس سنا یا مجلس شورای اسلامی پیشین، خود بیت رهبری و انستیتو پاستور در این منطقه قرار دارند که در حملات اخیر آسیب دیده‌اند.برای دانستن تاریخچه این قسمت از شهر با نصرالله حدادی تهران‌شناس به گفتگو نشستیم.* در جریان حمله آمریکا و اسرائیل در ۹ اسفند سال گذشته و به بیت رهبری و شهادت رهبر شهید و فرماندهان نظامی، اسامی اماکن و خیابان‌هایی در اخبار بازگو می‌شد که شاید پیشتر نامی از آنها برده نمی‌شد. تاریخچه این منطقه چیست؟

محدوده فعلی بیت رهبری در مجموعه باغ یا خانباغ عبدالحسین میرزا فرمانفرما قرار داشته که میان دو خندق تاریخی تهران واقع شده است؛ یکی خندق عتیق تهران در خیابان ری یا خندق شاه طهماسبی که در سال ۹۳۳ قمری احداث شد، که از شرق نزدیک خیابان ری؛ از جنوب خیابان اسماعیل بزاز یا مولوی فعلی؛ از غرب خیابان شاپور یا وحدت اسلامی و از شمال خیابان امیرکبیر و خیابان امام خمینی (مریض‌خانه اسبق وسپه سابق) قرار داشت. این محدوده حصار شاه طهماسبی است.وقتی که قرار شد که اینا بر بشود و حصار جدید و دروازه‌های جدید داشته باشیم، یعنی از ۴ دروازه به ۱۲ دروازه برسیم، خندق ناصری شکل گرفت. به این ترتیب که در هفدهم آذر ماه سال ۱۲۴۶ شمسی خندق عتیق پر شد، و چهار خیابان ری، شاپور، امیرکبیر و امام خمینی که آن وقت اسمش خیابان مریض‌خانه بود، شکل گرفتند. محدوده خندق ناصری عبارت بود از خیابان شوش در جنوب، خیابان ۱۷ شهریور در شرق، خیابان انقلاب در شمال، و خیابان کارگر در غرب؛ این محدوده خندق ناصری شد. بنابراین، محدوده مورد بحث در دوره ناصرالدین‌شاه در محدوده شهر تهران قرار گرفت.

* که متعلق به عبدالحسین خان فرمانفرما بود؟

محدوده باغ فرمانفرما شمالش می‌شود خیابان جمهوری، غربش می‌شود باغ کارگر، جنوبش می‌شود خیابان امام خمینی، شرقش هم خیابان ولیعصر. اما ما حتی تا محدوده پایین‌تر از اون در خیابان ولیعصر تا خیابان فرهنگ هم اراضی فرمانفرما بوده، خیابان فرهنگ فعلی را به او می‌گفتند خیابان تخت زمرد. حتی در برهه‌ای از زمان خیابان شاپور یا وحدت اسلامی را خیابان فرمانفرما می‌گفتند؛ یعنی فرمانفرما باغش تا آنجا هم بعضاً می‌توانسته ادامه داشته باشد.

باغ فرمانفرما؛ از کاخ مرمر و مجلس سنا تا بیت رهبری

سال ۱۲۴۶ ناصرالدین شاه وقتی تهران را وسعت داد این باغ که قبلاً خارج از خندق عتیق و خارج از خندق شاه طهماسبی بود، این بار افتاد داخل خندق. چون نصرت الدوله آدم خیلی ابن الوقتی بود و می‌توانست تشخیص بدهد که اینجا موقعیت پیدا می‌کند، آنجا را به قیمت ارزان خریده بود.

در این نزدیکی باغ‌های بسیاری وجود داشت که معروف‌ترین آنها «باغ شاه» یا کاربری نظامی بود. عبدالحسین میرزا فرمانفرما، که شخصیتی متنفذ و داماد مظفرالدین‌شاه بود و در اتریش تحصیلات نظامی دیده بود، اراضی بیرون از خندق را خریداری کرد و خانه‌هایی بسیار وسیع احداث نمود. وی برای همسران متعدد خود که بیش از ۳۰ فرزند داشتند، ساختمان‌هایی در این مجموعه ساخت. از فرزندان سرشناس او می‌توان به مریم فیروز، منوچهر فرمانفرمایان، ستاره فرمانفرمایان، خداداد فرمانفرمایان و عبدالعزیز فرمانفرمایان از معماران بزرگ ایران) اشاره کرد.

باغ فرمانفرما؛ از کاخ مرمر و مجلس سنا تا بیت رهبری

ردیف جلو از راست: خداداد و هایده

ردیف عقب از راست: حافظه، فاروق، جمشید، لیلی، علی داد، علینقی، ابوالبشر،

جمشید و ستاره فرزندان عبدالحسین‌میرزا فرمانفرمایان وسعت این باغ فراتر از محدوده فعلی نیز بوده است؛ به عنوان مثال، محل فعلی مسجد امام صادق در میدان قدس، خانه عبدالعزیز فرمانفرمایان بوده و در جنوب آن، منطقه تخت زمرد (خیابان فرهنگ) نیز به فرمانفرما تعلق داشته است. همچنین احتمال می‌رود که این باغ تا خیابان شاپور نیز امتداد داشته باشد. در خاطرات یکی از فرزندان فرمانفرما آمده است که در این باغ بزرگ بازی می‌کرده‌اند و پدرش برای نخستین بار در ایران، شبکه آب لوله‌کشی را با لوله‌هایی که از اروپا آورده بود، در این باغ ایجاد کرد و آب قنات فرمانفرما را به حوض بزرگی در شمال باغ هدایت نمود.

* ارتباط فرمانفرما با رضاخان چگونه بود؟

تا زمانی که فرمانفرما والی کرمانشاه بود، رضاخان (که بعدها رضاشاه شد) در زمره تاینن یا مصدر او در آنجا خدمت می‌کرد و عکس او در خانه فرمانفرما موجود است.



۱۵ هزار محتوای گردشگری برای معرفی

■ انوشیروان محسنی‌بندی در مراسم رونمایی از ۱۵ هزار قلم محتوای گردشگری خارجی که با هدف معرفی ظرفیت‌های گردشگری ایران در ۵۰ کشور برگزار شد، اظهار کرد: ایران از ظرفیت‌های کمنظیری در حوزه‌های میراث فرهنگی، تمدن، تاریخ، طبیعت، اقلیم و گردشگری سلامت برخوردار است، اما بهره‌گیری از این ظرفیت‌ها برای جذب گردشگران خارجی با موانعی از جمله تبلیغات منفی و ایران‌هراسی مواجه است. وی افزود: طی سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی اقدامات ارزشمندی در زمینه ثبت آثار جهانی و ملی و همچنین معرفی جاذبه‌ها، قابلیت‌ها و توانمندی‌های گردشگری کشور انجام شده است و در دولت چهاردهم نیز نگاه ویژه‌تری به توسعه گردشگری خارجی شکل گرفته است. معاون گردشگری ادامه داد: رئیس‌جمهوری در سفرهای خارجی خود همواره موضوع تبادل گردشگر را در گفت‌وگو با مقامات کشورهای مختلف مطرح کرده و این رویکرد نشان‌دهنده اهمیت توسعه تعاملات گردشگری با کشورهای هدف است. محسنی‌بندی با اشاره به سیاست‌های وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی برای حضور مؤثر در نمایشگاه‌های بین‌المللی گفت: سیاست معاونت گردشگری این است که هیچ فرصتی برای معرفی «ایران کوچک» در نمایشگاه‌های بین‌المللی از دست نرود و در همین راستا تلاش شده است ظرفیت حضور دستگاه‌های مختلف کشور نیز در این رویدادها مورد استفاده قرار گیرد. وی افزود: اگر دستگاه‌هایی مانند ارتش جمهوری اسلامی ایران در حوزه گردشگری جنگ، گردشگری دریایی و سایر حوزه‌ها ظرفیت‌هایی برای معرفی داشته باشند، با آموزش و پرورش بخواهد ظرفیت‌های گردشگری دانش‌آموزی و جغرافیایی کشور را معرفی کند، אנادگی داریم فضای غرقه را به صورت رایگان در اختیار آن‌ها قرار دهیم تا ظرفیت‌های گردشگری دستگاه‌های مختلف معرفی شود. معاون گردشگری همچنین نقش رایزنان فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور را در معرفی ظرفیت‌های گردشگری کشور مهم دانست و گفت: رایزنان فرهنگی در خارج از کشور به‌صورت مسئولانه برای حوزه گردشگری فعالیت می‌کنند و انتظار داریم از فرصت‌ها و ظرفیت‌های ایجادشده برای توسعه معرفی ایران و جذب گردشگر استفاده بیشتری شود. محسنی‌بندی با اشاره به آمارهای ورود گردشگران خارجی به کشور گفت: پیش از وقوع حوادث و بحران‌های تلخ اخیر، ایران در ماه‌های دی، بهمن و اسفند ۱۴۰۳ در میان ۱۶ کشور دارای رشد در پذیرش گردشگران خارجی قرار داشت.

وی ادامه داد: در فروردین ۱۴۰۴ نیز شاهد رشد ۴۸.۵ درصدی ورود گردشگران خارجی نسبت به فروردین سال ۱۴۰۳ بودیم و تلاش کردیم موانع موجود بر سر راه جذب گردشگران خارجی را برطرف کنیم. معاون گردشگری یکی از موانع مهم توسعه گردشگری ورودی را مشکلات حمل‌ونقل هوایی و محدودیت‌های پروازی دانست و اظهار کرد: در برخی بازارهای هدف، از جمله اندونزی، علاقه، انگیزه و تمایل برای سفر به ایران وجود دارد، اما محدودیت‌های پروازی یکی از موانع اصلی محسوب می‌شود. وی افزود: گردشگران در برخی مسیرها ناچارند در فرودگاه‌های بین‌المللی کشورهای دیگر مانند ترکیه یا امارات ساعت‌ها توقف داشته باشند. برای گردشگری که برنامه یک سفر چهارروزه را تنظیم کرده است، صرف هشت تا ۱۰ ساعت در فرودگاه می‌تواند جذابیت سفر به ایران را کاهش دهد و حتی موجب انصراف او و انتخاب مقصدی دیگر شود. محسنی‌بندی ابزار امیدواری کرد با باز شدن مسیرهای پروازی و اجرای سناریوهای طراحی‌شده از سوی معاونت گردشگری برای شرایط مختلف، زمینه لازم برای جذب بیشتر گردشگران خارجی فراهم شود. معاون گردشگری در ادامه با تأکید بر اهمیت بازاریابی و تبلیغات در صنعت گردشگری گفت: تبلیغات و بازاریابی امروز یک علم، تخصص، هنر و فن است و نمی‌توان بدون استفاده از روش‌های حرفه‌ای انتظار داشت یک مقصد گردشگری به‌درستی در بازارهای هدف معرفی شود. وی با اشاره به رونمایی از محتوای بین‌المللی گردشگری در این مراسم اظهار کرد: هدف از تهیه و ارسال این محتواها، معرفی ظرفیت‌ها و جذابیت‌های ایران در بازارهای هدف است تا تصویر واقعی و ظرفیت‌های گردشگری کشور به مخاطبان خارجی معرفی شود. محسنی‌بندی خاطرنشان کرد: تبلیغات می‌تواند نگاه‌ها و نگرش‌ها را تغییر دهد و تعریف مناسبی از یک مقصد در ذهن مخاطب ایجاد کند. بنابراین باید از ظرفیت‌های رسانه‌ای و ابزارهای نوین بازاریابی برای معرفی ایران به عنوان مقصدی برخوردار از جذابیت‌های متنوع گردشگری استفاده کنیم. معاون گردشگری وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی با تأکید بر ضرورت حرکت به سمت اقتصاد دانش‌بنیان و دانش‌محور گفت: دیپلماسی فرهنگی می‌تواند حلقه ارتباطی بسیار قدرتمندی میان ایران و جهان و زمینه‌ساز تعاملات پایدار بین‌المللی در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی و گردشگری باشد. وی افزود: بسیاری از کشورهایی که از منابع فیزیکی همچون نفت و گاز برخوردار بوده‌اند، امروز به سمت اقتصاد تخصصی، دانش‌بنیان و دانش‌محور حرکت کرده‌اند و ما نیز باید از ظرفیت‌های موجود برای تحقق این راهبرد استفاده کنیم. وی با قدردانی از همکاری بخش‌های مختلف وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی و همچنین سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در معرفی ظرفیت‌های گردشگری کشور افزود: رایزنان فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور ظرفیت ارزشمندی برای معرفی جاذبه‌های گردشگری ایران هستند و تجربه همکاری با رایزنان فرهنگی در کشورهای مختلف نشان داده است که این ظرفیت می‌تواند به شکل مؤثری در خدمت توسعه گردشگری قرار گیرد. محسنی‌بندی با اشاره به همکاری رایزنان فرهنگی ایران در کشورهای اندونزی و اسپانیا گفت: در این کشورها ظرفیت‌های بسیار خوبی برای تولید محتوای مشترک و معرفی جاذبه‌های گردشگری ایران ایجاد شده است و باید از تخصص، ارتباطات و ظرفیت رایزنان فرهنگی برای شناساندن توانمندی‌های گردشگری کشور بیش از گذشته استفاده کنیم.

گواهینامه موتورسیکلت بانوان در پیچ اما واگرهای قانونی



دیگر می‌گوید قانون وجود ندارد؛ بلکه پرسش دقیق‌تر این است که آیا تصویب‌نامه دولت به تنهایی برای ایجاد مبنای قانونی لازم جهت صدور گواهینامه موتورسیکلت بانوان کافی است یا برای رفع محدودیت موجود، نیاز به اصلاح یا تصویب قانون در مجلس وجود دارد؟ پلیس چه می‌گوید؟

از آن جایی که پلیس راهور در جایگاه قانون‌گذار نیست و مجری مقررات موجود است، در همین چارچوب، مقام‌های راهور اعلام کرده‌اند که تعیین تکلیف قانونی موضوع باید روشن شود و پلیس نمی‌تواند خارج از چارچوب قانونی اقدام کند.

در واقع همین نکته باعث شده توپ میان نهادهای مختلف باقی بماند: معاونت زنان از وجود مصوبه دولت سخن می‌گوید، دولت مصوبه خود را ابلاغ کرده، اما پلیس بر ضرورت روشن بودن مبنای قانونی اجرای صدور گواهینامه تأکید دارد و شورای نگهبان نیز می‌گوید هیچ مصوبه‌ای از مجلس در این زمینه دریافت نکرده است.

داستان از کجا شروع شد؟

پهروزآذر پیش‌تر در تشریح دلایل پیگیری صدور گواهینامه برای زنان گفته بود که افزایش پیچیدگی‌های ترافیکی، نیاز زنان به راهکارهای جدید حمل‌ونقل و همچنین مشکلات برخی زنان در استفاده از موتورسیکلت به عنوان ترک‌نشین، از جمله دلایل پیگیری این موضوع بوده است. وی همچنین مسئله بیمه را یکی از دغدغه‌های مهم عنوان کرده و گفته بود برخی زنان در عمل موتورسواری می‌کنند اما به دلیل نداشتن گواهینامه و پوشش‌های مرتبط، در صورت وقوع حادثه با معاون رئیس‌جمهور همچنین تأکید کرده است که مطالبه صدور گواهینامه از سوی برخی زنان، از جمله زنان محجبه و عفیف، مطرح شده و هدف از پیگیری این موضوع، فراهم کردن امکان قانونی و

پس تناقض از کجا آمده است؟

ریشه ابهام دقیقاً همین‌جاست: چند نهاد درباره یک موضوع واحد، اما درباره مبنای حقوقی متفاوت صحبت می‌کنند.

دولت می‌گوید هیئت وزیران برای اجرای فرایند آموزش، آزمون و صدور گواهینامه، تصویب‌نامه صادر کرده و در آن، فرایجاد مکلف شده است فرایند را اجرا کند. متن تصویب‌نامه نیز چنین تکلیفی را به‌صراحت برای فرماندهی کل انتظامی تعیین کرده است.

در مقابل، شورای نگهبان زمانی وارد بررسی می‌شود که مجلس قانونی را تصویب و برای شورا ارسال کند. از همین رو، سخنگوی شورا از نبودن «مصوبه مجلس» سخن می‌گوید. در نتیجه، دعوی اصلی را نباید صرفاً این‌گونه روایت کرد که یک طرف می‌گوید قانون وجود دارد و طرف

موضوع صدور گواهینامه موتورسیکلت برای بانوان بار دیگر به یکی از پرسش‌های پرتکرار افکار عمومی تبدیل شده است؛ موضوعی که در ماه‌های گذشته چندین بار خبرساز شده اما همچنان اجرای عملی آن با اما و اگر همراه است. تازه‌ترین اظهارات در این زمینه، دو تصویر متفاوت از وضعیت حقوقی این موضوع ارائه می‌دهد. از یک سو، زهرا پهروزآذر، معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده، از نهایى شدن مصوبه دولت و تکلیف پلیس راهور برای اجرای فرایند صدور گواهینامه زنان سخن گفته است. از سوی دیگر، هادی طحان‌نظیف، سخنگوی شورای نگهبان، اعلام کرده که تاکنون هیچ مصوبه‌ای از سوی مجلس درباره گواهینامه موتورسیکلت بانوان به شورای نگهبان ارسال نشده است.

پهروزآذر چه می‌گوید؟

پهروزآذر در تازه‌ترین اظهارات خود گفته است موضوع صدور گواهینامه موتورسیکلت بانوان نهایی شده و بر اساس مصوبه دولت، پلیس راهور فرایند مکلف است فرایند صدور گواهینامه برای زنان را اجرایی کند. وی پیش‌تر نیز از رفع موانع اداری این موضوع خبر داده و گفته بود مراحل اجرای صدور گواهینامه برای بانوان در حال نهایی شدن است. در ۸ بهمن ۱۴۰۴ نیز معاونت امور زنان ریاست‌جمهوری اعلام کرد هیئت وزیران، مصوبه‌ای را در این زمینه به تصویب رسانده است.

بنابراین وقتی معاون رئیس‌جمهور از «مصوبه دولت» سخن می‌گوید، استناد او به یک تصویب‌نامه رسمی هیئت وزیران است، نه مصوبه مجلس.

طحان‌نظیف چه می‌گوید؟

در مقابل، طحان‌نظیف، سخنگوی شورای نگهبان در آخرین نشست خبری خود درباره موضوع «گواهینامه موتورسیکلت بانوان» گفته است که تاکنون هیچ مصوبه‌ای از سوی مجلس شورای اسلامی به شورای نگهبان واصل نشده است و شورای نگهبان نیز تنها پس از تصویب و ارسال رسمی مصوبات مجلس، صلاحیت بررسی و اعلام نظر درباره آنها را دارد. بنابراین اظهار نظر سخنگوی شورای نگهبان را باید در چارچوب وظایف این شورا فهم کرد: وی از مصوبه مجلس صحبت می‌کند؛ در حالی که آنچه هیئت وزیران تصویب کرده، در اصل یک تصویب‌نامه دولتی است. به همین دلیل، مصوبه‌ای از مجلس به شورای نگهبان نرسیده لزوماً به این معنا نیست که هیچ مصوبه یا تصمیم دولتی درباره صدور گواهینامه زنان وجود ندارد. گواهینامه موتورسیکلت بانوان در پیچ اما و اگرهای قانونی تک چرخ می‌زند

پس تناقض از کجا آمده است؟

ریشه ابهام دقیقاً همین‌جاست: چند نهاد درباره یک موضوع واحد، اما درباره مبنای حقوقی متفاوت صحبت می‌کنند.

دولت می‌گوید هیئت وزیران برای اجرای فرایند آموزش، آزمون و صدور گواهینامه، تصویب‌نامه صادر کرده و در آن، فرایجاد مکلف شده است فرایند را اجرا کند. متن تصویب‌نامه نیز چنین تکلیفی را به‌صراحت برای فرماندهی کل انتظامی تعیین کرده است.

در مقابل، شورای نگهبان زمانی وارد بررسی می‌شود که مجلس قانونی را تصویب و برای شورا ارسال کند. از همین رو، سخنگوی شورا از نبودن «مصوبه مجلس» سخن می‌گوید. در نتیجه، دعوی اصلی را نباید صرفاً این‌گونه روایت کرد که یک طرف می‌گوید قانون وجود دارد و طرف

۲ هزار و ۸۸ کودک بازمانده از تحصیل شناسایی شدند



تا زمانی که وضعیت اقتصادی و اجتماعی خانواده تغییر نکند، امکان بازتولید این چرخه وجود دارد. بر همین اساس بهزیستی در سال‌های اخیر به سمت توسعه مراکز روزانه، مداخلات اجتماعی و مدل‌های خانواده‌محور حرکت کرده است. حسینی همچنین به فعالیت مجموعه شوق زندگی برای حمایت از کودکان فاقد سرپرست یا دارای سرپرست نامناسب اشاره کرد و گفت: مجموعه شوق زندگی بعثت نیز با هدف حمایت از کودکان خیابانی در پارک بعثت راه‌اندازی شده است. این مجموعه با همکاری دستگاه‌هایی از جمله قوه قضائیه، شهرداری و پلیس تلاش می‌کند فرایند شناسایی، حمایت و ساماندهی کودک را در مدت کوتاه‌تری انجام دهد.

رئیس سازمان بهزیستی کشور با تشریح رویکرد جدید این سازمان در ساماندهی کودکان آسیب‌پذیر گفت: با هدف تجمیع ظرفیت دستگاه‌های مسئول و تسهیل فرایند ساماندهی کودکان کار و خیابان، مجتمع شوق زندگی بعثت ایجاد شده است تا فرایند شناسایی، حمایت و تعیین تکلیف کودکان با سرعت بیشتری انجام شود. در این چارچوب، کودکان فاقد سرپرست مؤثر به مراکز شبه‌خانواده معرفی می‌شوند و در مواردی که کودک دارای والدین باشد تلاش

■ به نقل از سازمان بهزیستی کشور، کودکی که باید بخش مهمی از روز خود را در مدرسه بگذراند، ممکن است همان ساعات را در خیابان، کارگاه یا مغازه سپری کند اما مسئله کودکان کار فقط به حضور آنها در خیابان محدود نمی‌شود. پشت بسیاری از این کودکان، خانواده‌ای قرار دارد که با فقر، مهاجرت و... دست‌وپنجه نرم می‌کند. سال‌ها رویکرد غالب در مواجهه با کودکان کار، جمع‌آوری و نگهداری آنها در مراکز بود و این وضعیت بدون مداخله در وضعیت خانواده و بازگرداندن کودک به چرخه آموزش، نمی‌توانست مانع تکرار این پدیده شود. حالا سازمان بهزیستی از تغییر مسیر در سیاست‌های خود خبر می‌دهد یعنی به جای تمرکز صرف بر نگهداری کودک، بر توانمندسازی خانواده، بازگشت به مدرسه، مداخلات اجتماعی و استفاده از ظرفیت تشکل‌های مردم‌نهاد استوار شده است.

بر همین اساس نشست تخصصی حمایت از کودکان آسیب‌پذیر با حضور سید جواد حسینی رئیس و مسئولان سازمان بهزیستی، صادق مشاوری محله محوری وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، فاطمه مقدسی مشاور وزیر تعاون، یوسف مزارعی مدیرکل پیگیری و پاسخگویی به درخواست‌ها و شکایات مردمی نهاد ریاست جمهوری، رضا امیدوار تجربی‌شنی مدیرکل دفتر ارتباطات مردمی و مشارکت اجتماعی نهاد ریاست جمهوری و نمایندگان تشکل‌های مردم‌نهاد برگزار شد. در این نشست که به مدت بیش از سه ساعت به طول انجامید درباره ضرورت تغییر رویکرد به حوزه کودکان کار گفت‌وگو شد و موضوعاتی از ثبت‌نام کودکان فاقد مدارک هویتی و بازمانده از تحصیل تا نحوه ساماندهی کودکان کار و نظارت بر مراکز شبه‌خانواده مورد بررسی قرار گرفت.

۲ هزار و ۸۸ کودک بازمانده از تحصیل شناسایی شدند

سید جواد حسینی رئیس سازمان بهزیستی کشور در این نشست گفت: این سازمان در حال حاضر ۴۴۳ هزار کودک را تحت پوشش دارد و تاکنون ۲ هزار و ۸۸ کودک بازمانده از تحصیل در میان جامعه هدف شناسایی شده‌اند. هدف‌گذاری بهزیستی در سال جاری برگرداندن تمام این کودکان به مدرسه است و برای هر کودک تحت پوشش نیز ماهانه ۲ میلیون تومان کمک‌هزینه تحصیلی پرداخت می‌شود. وی تأکید کرد: اگر وزارت کشور مجوز تحصیل کودک را صادر کند اما مدرسه از ثبت‌نام او خودداری کند، بهزیستی موضوع را پیگیری خواهد کرد. حسینی با بیان اینکه هیچ کودکی نباید از تحصیل بازماند از دستگاه‌های مرتبط و تشکل‌های مردم‌نهاد خواست اطلاعات کودکان بازمانده از تحصیل و مناطق محل سکونت آنها را در اختیار بهزیستی قرار دهند تا امکان پیگیری و بازگرداندن آنها به مدرسه فراهم شود همچنین مسئولیت ساماندهی کودکان کار حدود سه ماه است که از سوی شورای اجتماعی کشور به سازمان بهزیستی واگذار شده است. به گفته وی، نگاه جدید سازمان بهزیستی بر این مبناست که مسئله کودک کار را نمی‌توان صرفاً با جمع‌آوری کودک از خیابان حل کرد چون

صاحب امتیاز و مدیر مسئول | محمد جواد اهوویی
زیر نظر شورای سردبیری

عکس | امیررضا شفاعی
روابط عمومی | جهانگیر توسلی
تلفن | ۰۲۱۸۲۰۵۲۵۱۸ _ ۰۹۹۳۱۲۶۲۶۴ آگهی ها ۰۲۱۸۲۰۵۲۵۱۸
نشانی | بلوار کشاورز - خیابان عبدالله زاده - کوچه زیبا - پلاک ۴۴ - واحد ۵
چاپ | صمیم - ۴۴۵۸۲۸۴

FAZAMAJAZI
@ASREGANOON
@ASREGANOON



۲ هزار و ۸۸ کودک بازمانده

به نقل از سازمان بهزیستی کشور، کودکی که باید بخش مهمی از روز خود را در مدرسه بگذراند، ممکن است همان ساعات را در خیابان، کارگاه یا مغازه سپری کند اما مسئله کودکان کار فقط به حضور آنها در خیابان محدود نمی‌شود.

۷

نسل جدید، راوی

یاسر تقوی، سرپرست اداره کل کتابخانه‌های عمومی استان تهران، در آیین اختتامیه جشنواره «نثر شعر» با اشاره به برگزاری این برنامه در ایام سوگواری حضرت سیدالشهدا(ع)، اظهار کرد

۶

ماجرای انصراف تیم‌های نفتی از لیگ کشتی

کشتی ایران در دو ماه پیش رو تقویم بسیار شلوغی دارد. مسابقات کشتی بازی‌های آسیایی در مهرماه برگزار می‌شود، مسابقات امیدهای جهان به میزبانی لاس‌وگاس در اواخر مهر برگزار خواهد شد و مسابقات جهانی بزرگسالان نیز در آبان‌ماه برگزار می‌شود.با توجه به فشردگی رقابت‌ها، روز ۱۱ شهریورماه قرعه‌کشی لیگ برتر کشتی آزاد و فرنگی انجام شد و ۱۳ تیم (۶ تیم در آزاد و ۷ تیم در فرنگی) جواز حضور در لیگ برتر کشتی را به دست آوردند. در لیگ امسال سه تیم نفتی حضور دارند که گویا تنها تیم نفت و گاز زاگرس اجازه حضور در لیگ کشتی فرنگی را دارد و دو تیم دیگر، یعنی نفت تهران در کشتی آزاد و ملی حفاری اهواز در کشتی فرنگی اجازه حضور در لیگ برتر را ندارند. حمید یاری در گفتگو با خبرنگار مهر، درباره انصراف دو تیم نفتی از لیگ برتر کشتی گفت: هنوز این موضوع را به صورت کتبی به اطلاع ما نرسانده‌اند. به این دو تیم اعلام شده که در مسابقات لیگ حضور پیدا کنند، اما با مشکل بودجه مواجه هستند و به همین خاطر حضورشان در لیگ کشتی به اما و اگر کشیده شده است. البته در لیگ کشتی فرنگی ۷ تیم و در لیگ کشتی آزاد ۶ تیم داریم و اگر یکی از تیم‌های لیگ کشتی آزاد انصراف بدهد، یک تیم دیگر را جایگزین می‌کنیم. هنوز به صورت کتبی موضوع را اعلام نکرده‌اند و ما هم از آنها خواستیم که هرچه سریع‌تر، تا یکی دو روز آینده، وضعیت را تعیین تکلیف کنند. رئیس سازمان لیگ کشتی همچنین درباره حضور علی مومنی که هم با تیم استقلال تهران و هم بانک شهر قرارداد بسته است، گفت: متأسفانه این کشتی‌گیر سال گذشته هم حواشی داشت. در حال حاضر او امسال یک قرارداد داخلی با باشگاه استقلال داشته و در سامانه نیز قراردادی با باشگاه بانک شهر به ثبت رسانده است.وی گفت: البته ما بارها اعلام کرده‌ایم که قراردادهای داخلی صوری هستند و از نظر ما وجاهت قانونی ندارند. اما اتفاق مشابهی برای دو سال پیاپی برای یک کشتی‌گیر رخ داده و طبیعی است که ما به آن حساس شده‌ایم. در مقطعی که سامانه هنوز آماده نشده بود، برخی باشگاه‌ها زودتر وارد مذاکره با کشتی‌گیران شدند. مومنی نیز مدعی است قراردادی سفیدامضا کرده است.



محرومیت خداداد عزیزی از همراهی تراکتور

پرونده حواشی دیدار تراکتور و گل‌گهر سیرجان با ورود فوری کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال وارد مرحله تازه‌ای شده و خداداد عزیزی، سرپرست تیم فوتبال تراکتور، در آستانه محرومیت از حضور در مسابقات لیگ برتر قرار گرفته است.عزیزی در جریان دیدار تراکتور و گل‌گهر ابتدا به دلیل اعتراض به تصمیم‌های داور مسابقه از روی نیمکت اخراج شد و پس از آن نیز درگیری لفظی او با امید عالیشاه، بازیکن گل‌گهر، به یکی از مهم‌ترین حواشی مسابقه تبدیل شد. گزارش ناظر مسابقه نیز رفتار سرپرست تراکتور را به کمیته انضباطی منتقل کرده و طبق گزارش‌های منتشرشده، موضوع استفاده از الفاظ توهین‌آمیز در این درگیری نیز در پرونده مورد بررسی قرار گرفته است. کمیته انضباطی با قید فوریت پرونده خداداد عزیزی را در دستور کار قرار داده و برای او فرصت ۴۸ ساعته‌ای جهت ارائه دفاعیات در نظر گرفته است. با این حال، پیگیری‌های خبرنگار مهر نشان می‌دهد با توجه به سوابق انضباطی عزیزی و تکرار تخلفات، تصمیم جدی کمیته انضباطی، محرومیت قطعی او برای دو جلسه از همراهی تراکتور در لیگ برتر است؛ محرومیتی که پس از تکمیل فرآیند رسیدگی و بررسی دفاعیات ابلاغ خواهد شد.

وزیر ورزش: برای پاسخگویی به مجلس درباره اتهامات مطرح‌شده

تا زیرساخت‌های شهری برای تحرک بیشتر شهروندان مناسب‌سازی شود.در این مدل شهرداری‌ها دیگر صرفاً متولی فضای سبز یا مبلمان شهری نیستند بلکه خیابان، بوستان و مسیرهای شهری باید به گونه‌ای طراحی شوند که شهروند بتواند در جریان زندگی روزمره خود بیشتر حرکت کند.ایده ورزش ارزان و در دسترس روی کاغذ جذاب است اما جایگزین شدن محله و شهر با باشگاه نیازمند چیزی فراتر از ساخت ایستگاه و برگزاری رویداد است. امنیت، دسترسی برابر، حضور مربی، کیفیت تجهیزات، مناسب بودن فضا برای زنان، کودکان و سالمندان و مهم‌تر از همه استمرار استفاده مردم عواملی هستند که می‌توانند سرنوشت این طرح‌ها را تعیین کنند.خود فدراسیون نیز تأکید دارد که تعداد رویدادها به‌تنهایی معیار موفقیت نیست و شاخص اصلی باید افزایش فعالیت بدنی مستمر مردم باشد. بنابراین شاید مهم‌ترین آزمون «شهر فعال» و «کوچه» نه در تعداد طرح‌های افتتاح‌شده بلکه در یک سؤال ساده خلاصه شود. آیا شهروندی که توان پرداخت هزینه باشگاه را ندارد واقعا می‌تواند در محله خودش ورزشی منظم، باکیفیت و پایدار داشته باشد؟ اگر پاسخ مثبت باشد آن وقت ورزش واقعا از سالن‌ها بیرون آمده و به متن زندگی مردم بازگشته است. علی خلیلی رئیس فدراسیون با اشاره به رویکرد جدید این فدراسیون در توسعه مشارکت عمومی در فعالیت بدنی اظهار کرد: امروز مأموریت ورزش همگانی فراتر از برگزاری چند رویداد و جشنواره تعریف می‌شود. هدف ما این است که فرصت فعالیت بدنی به بخشی در دسترس، مستمر و قابل اندازه‌گیری از زندگی روزمره مردم تبدیل شود و برای تحقق این هدف، هم‌زمان بر توسعه رویدادهای ملی، فناوری، زیرساخت، داده و ظرفیت استان‌ها تمرکز کرده‌ایم.وی افزود: در دولت وفاق و با حمایت‌های دکتر دنیامالی، نگاه به ورزش همگانی وارد مرحله متفاوتی شده است. تأکید وزیر ورزش و جوانان بر استفاده از ظرفیت فناوری، توسعه دسترسی عمومی به ورزش و حرکت بر مبنای برنامه و شاخص‌های علمی، پشتوانه مهمی برای اجرای برنامه‌های تحولی فدراسیون بوده است. جامعه امروز را نمی‌توان صرفاً با ابزارها و الگوهای سنتی به تحرک بیشتر دعوت کرد. باید ورزش را به زندگی روزمره مردم نزدیک کنیم و فناوری یکی از مهم‌ترین ابزارهای تحقق این هدف است.

ورزش کردن برای بسیاری از مردم هنوز با هزینه‌هایی مانند شهریه باشگاه، دستمزد مربی، رفت‌وآمد و تهیه تجهیزات گره خورده است و همین هزینه‌ها دسترسی به ورزش را برای بخشی از جامعه دشوار می‌کند. در چنین شرایطی بازگرداندن ورزش به پارک، کوچه و فضاهای عمومی می‌تواند راهی برای نزدیک‌تر کردن فعالیت بدنی به زندگی روزمره مردم باشد. ایده‌ای که حالا در برنامه‌های فدراسیون ورزش‌های همگانی با طرح‌هایی مانند «کوچه»، «ماوا» و «شهر فعال» دنبال می‌شود.علی خلیلی رئیس فدراسیون ورزش‌های همگانی می‌گوید مردم برای ورزش کردن نباید الزاماً به مجموعه‌های تخصصی یا فضاهای گران‌قیمت نیاز داشته باشند. بر همین اساس طرح «شهر فعال» و طرح ملی «کوچه» با محوریت ورزش و بازی‌های عمومی در حال اجراست؛ طرح‌هایی که قرار است از ظرفیت فضاهای در دسترس محله‌ها برای افزایش تحرک و نشاط اجتماعی استفاده کنند. این نگاه یک تغییر مهم در تعریف ورزش همگانی است؛ ورزش دیگر الزاماً فعالیت نیست که در سالن و باشگاه اتفاق بیفتد. پارک محله، مسیر پیاده‌روی و حتی یک فضای عمومی کوچک هم می‌تواند بخشی از زیست‌بوم ورزش باشد. اما پرسش مهم اینجاست که آیا وجود چنین فضاهایی به‌تنهایی برای فعال‌تر شدن مردم کافی است؟

فدراسیون برای ساماندهی همین ظرفیت‌ها، سامانه ملی «ماوا» را نیز راه‌اندازی کرده است؛ سامانه‌ای که قرار است ایستگاه‌های ورزش صبحگاهی و عصرگاهی را شناسنامه‌دار کند، اطلاعات مربیان و ورزشکاران را ثبت کند و امکان دسترسی مردم به نزدیک‌ترین ایستگاه ورزشی را فراهم آورد.

اگر این شبکه به‌درستی توسعه پیدا کند، می‌تواند فاصله میان مردم و امکانات ورزشی را کاهش دهد. اما موفقیت آن تنها با تعداد ایستگاه‌های ثبت‌شده یا تعداد برنامه‌های برگزارشده سنجیده نمی‌شود. سؤال اصلی این است که چند نفر از این امکانات به‌صورت مستمر استفاده می‌کنند و آیا حضور آنها توانسته الگوی فعالیت بدنی خانواده‌ها را تغییر دهد؟طرح فدراسیون همگانی و خروج ورزش از باشگاه‌ها؛ پروژه «شهر فعال» نیز همین فلسفه را در مقیاس شهری دنبال می‌کند. بر اساس توضیحات رئیس فدراسیون اصفهان و تبریز وارد مراحل اجرایی این طرح شده‌اند

